



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات  
بهداشتی درانی استان آصفهان

# سبک زندگی قرآنی



گردآوری و تنظیم: معاونت فرهنگی دانشجویی دانشگاه

9

گروه آموزش و توسعه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

تابستان ۱۴۰۴



بسمه تعالی

قال النبی (ص):

التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نَصْفُ الْعَقْلِ

مهربانی با مردم نیمی از عقل است.

کافی، ج ۲، ص ۶۴۳، ح ۵



## فهرست

|         |                                         |
|---------|-----------------------------------------|
| ۴.....  | مقدمه.....                              |
| ۵.....  | سبک زندگی قرآنی.....                    |
| ۵.....  | مفهوم‌شناسی سبک زندگی.....              |
| ۶.....  | مبانی قرآنی سبک زندگی.....              |
| ۱۰..... | ابعاد سبک زندگی.....                    |
| ۱۱..... | زندگی پس از مرگ.....                    |
| ۱۲..... | هدف‌مندی جهان آفرینش.....               |
| ۱۲..... | محور حیات.....                          |
| ۱۲..... | سبک زندگی و مرتبه مطلوب آن.....         |
| ۱۵..... | تعبیر حیات طیبه.....                    |
| ۲۲..... | تشویق و تنبیه.....                      |
| ۲۴..... | امر به نماز.....                        |
| ۲۵..... | اعتقاد به ظهور.....                     |
| ۳۱..... | آیات و پیام‌های مبتنی بر سبک زندگی..... |
| ۳۲..... | خدا باوری.....                          |
| ۳۳..... | باور آگاهی خدا.....                     |
| ۳۵..... | باور به مهرورزی خدا.....                |
| ۳۷..... | باور به انتقام‌گیری خدا.....            |
| ۴۰..... | باور به یاری و نصرت خدا.....            |
| ۴۲..... | الگو شناسی.....                         |
| ۵۰..... | اهمیت دعا.....                          |
| ۵۲..... | معاد باوری.....                         |
| ۵۶..... | خلاصه.....                              |
| ۵۷..... | منابع.....                              |



## مقدمه



سبک زندگی، رفتارهای عادی روزمره هستند؛ به عبارتی سبک زندگی، راه و روش گوناگون زندگی فردی و اجتماعی است که هر فرد برای خود یک سبک زندگی ایجاد کرده است. هر یک از تصمیمات ریز و درشتی که یک فرد روزانه می گیرد مثل اینکه چه بپوشد، چه بخورد و چگونه رفتار کند و... سبک زندگی او را شکل می دهد. مجموعه رفتار، اعمال و احساسات افراد، سبک زندگی آنها را تشکیل می دهد. سبک زندگی را می توان: الگویی از کنش اجتماعی تمیز دهنده افراد و گروه های اجتماعی از یکدیگر تعریف کرد. سبک زندگی همچنین نتیجه انتخاب ها و گزینش های هر فرد برای حیات خویش است. مفهوم سبک زندگی، مفهومی تولید پذیر و بازتولید پذیر است و این انعطاف بسیار بالا، نکته ای بسیار مهم در کارآمدی سبک زندگی است. سبک زندگی می تواند به یک دانش بسیار مهم در مدیریت اجتماعی تبدیل شود، یعنی سبک زندگی یک ابزار برای مدیریت اجتماعی محسوب می شود که در صورت تدوین درست سبک زندگی، دیگر به ابزارهای سخت مدیریت اجتماعی نیازی نخواهد بود و حتی جایگزین بسیاری از منازعات سخت در تاریخ خواهد شد. آنچه قابل توجه است اینکه وقتی رویکرد قرانی بر سبک زندگی حاکم شود، می تواند عامل موفقیت فردی و اجتماعی و به عبارت دیگر رستگاری انسان در حیات مادی و معنوی او باشد.



## سبک زندگی قرآنی

در عصر حاضر، برخلاف پیشرفت علم و تکنولوژی، بشر با انواع تهاجم‌های دینی و فرهنگی روبه‌رو است، که بحران هویت را برای او رقم زده و در نهایت او را با سرگردانی در زندگی روبه‌رو کرده است. از این‌رو، نیاز مهم این دوره شناخت زندگی واقعی است. جهان خلقت مظهر رحمت رحمانی پروردگار است و مسیری است که از طریق آن هر موجودی به کمال خویش می‌رسد که رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و قرب الهی است. حیاتی که خداوند در این زمینه، انسان را بدان رهنمون می‌کند، حیات طیبه است که مظهري از حیات حقیقی خداوند است.

در حیات طیبه، فراهم‌سازی خواسته‌های بشری در راستای قرب الهی است و هدف انسان‌ها فقط رسیدن به رفاه زندگی نیست؛ بلکه سامان‌دادن زندگی دنیوی برای قرب الهی است و این اندیشه، نه تنها بشر را از صحنه جهانی دور نمی‌کند، بلکه جامعه را برای تکامل و آبادانی زندگی در سایه ایمان، عمل صالح و تقرب به درگاه پروردگار سوق می‌دهد. شناخت سبک زندگی صحیح در عصر حاضر که عصر غیبت است، از رسالت‌های تربیتی خانواده‌های است که در انتظار ظهور منجی هستند؛ زیرا وظیفه مهم آنان، تربیت نسل مستعد برای یاری و اجرای منویات امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است. با توجه به روایات، تجلی کامل حیات طیبه در دوران قیام امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در سایه معرفت امام و الگو قرار دادن صفات یاوران حضرت تحقق خواهد پذیرفت. این متن قصد دارد با استفاده از آیات و روایات سبک زندگی را تعریف کرده و تجلی حیات طیبه به ویژه در عصر غیبت و عصر ظهور را بیان دارد.

## مفهوم‌شناسی سبک زندگی

سبک زندگی، مجموعه‌ای از رفتارها و الگوهای کنش هر فرد است که به بعدهای هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی نظر داشته باشد. چنین مجموعه‌ای می‌تواند کلی متمایز را پدید آورد که در کنار دلالت بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص، نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و ارزش‌های افراد نیز باشد.



گستره سبک زندگی عرصه وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در بر می‌گیرد. سبک زندگی اسلامی، توجه به اجرای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه‌های زندگی آدمی است و می‌توان در دسته‌بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات سه گانه انسان با خدا و خود و خلق، زندگی پرهیزگارانه‌ای ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان شیوه زیستن را مشق کرد.

سبک زندگی اصطلاحی جدید است که در انگلیسی از آن به life style تعبیر می‌شود. در علوم اجتماعی سبک زندگی غیر از شیوه زندگی دانسته شده که در انگلیسی از آن به way of life یاد شده است؛ چراکه شیوه زندگی، مفهومی عام و کلی است که هرگونه شیوه و اسلوب زندگی را در همه تمدن‌ها و ادوار تاریخ بشر اعم از دوران‌های ماقبل مدرن و دوران جدید و حتی پسا مدرن را نیز در بر می‌گیرد. در طول تاریخ مهم‌ترین نیاز بشر، رسیدن به زندگی آرام، بی‌دغدغه و خالی از ناملایمت‌ها بوده است.

### مبانی قرآنی سبک زندگی

برنامه‌های دینی در آیین اسلام، ناظر به ابعاد وجودی بشر و در دو حیطه «اعتقاد» و «عمل» طراحی و ارائه شده است و از این‌رو، دین کارکرد سبک‌آفرینی و هویت‌بخشی دارد. بدین ترتیب، سبک زندگی به‌عنوان یکی از مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در علوم اجتماعی، پیوندی تنگاتنگ با مجموعه‌ای از مفاهیم مانند فرهنگ، جامعه، رفتار و معنا (نگرشی، ارزشی و هنجاری)، اخلاقی، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، خلاقیت، تولید، مصرف، طبقه اجتماعی، منزلت، ذوق و سلیقه پیدا می‌کند.

سبک زندگی در قرآن و حدیث، با مفاهیمی چون، فرهنگ، دین، عقلی معاش، شاکله (شخصیت اکتسابی) و حیات طیبه ارتباط می‌یابد. در یک رابطه طولی می‌توان چنین گفت که دین، فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد، فرهنگ نیز نظام معنایی خاصی برای زندگی فردی و اجتماعی تعریف می‌کند و این نظام معنایی، سرچشمه و خاستگاه مجموعه در هم تنیده‌ای از الگوهای خاصی برای زندگی است که یک کل منسجم و متمایز را در قالب سبک زندگی پدید می‌آورد. شاکله نیز، همان شخصیت برخاسته از اعمال اختیاری انسان در بستر تربیت است که در قالب سبکی از رفتار در زندگی و تعاملات با دیگران تجلی می‌یابد و عقل معاش به‌عنوان قوه تدبیر زندگی و امور دنیایی مربوط به



زندگی می‌باشد. در سبک زندگی اسلامی، معادگرا بودن عقلی، شرط تحقق مفهوم عقل معاش خواهد بود. از این رو، با شکل‌گیری جامعه اسلامی که در سایه مبانی و اصول سبک زندگی اسلامی شکل گرفته است، حیات معنوی یا همان حیات طیبه برپا می‌شود، حیات متکی بر عقل و فطرت و آموزه‌های اسلامی در عرصه‌های زندگی، که بر دو پایه، جهان‌بینی الهی و عمل نیک استوار است.

در دو حوزه «مبانی شناختی (معرفتی)» و «مبانی رفتاری (عملی)» تقسیم‌بندی می‌شود. مبانی شناختی نیز به نوبه خود به دو دسته مبانی هستی‌شناسی و مبانی انسان‌شناسی قابل تقسیم است. زیرا وقتی بحث از مبانی می‌شود، مراد بررسی نوع جهان‌بینی و فهم یک مکتب از خدا، جهان، انسان و نوع رفتار انسان با آن دو است. مهم‌ترین مبانی هستی‌شناختی در سبک زندگی اسلامی می‌توان به «ایمان کامل» به خداوند، ولایت و حاکمیت خداوند، هدفداری نظام آفرینش و اعتقاد به مزرعه بودن دنیا نسبت به آخرت، اشاره کرد.

اعتقاد به روحانی - جسمانی بودن انسان، آزادی انسان، خلافت و جانشینی او بر روی زمین، مختار و به تبع مسئولیت‌پذیری او، کمال‌جویی و تفاوت انسان‌ها در ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و استعدادها از مهمترین مبانی انسان‌شناختی سبک زندگی قرآنی به شمار می‌رود. همچنین توجه به کرامت انسانی، مساوات و عدالت رفتاری، تقوای عملی، کنترل غرایز و شهوات و احساس مسئولیت و حالت آماده باش دائمی از مبانی رفتاری (عملی) است که می‌توان از منظر آیات قرآن برای سبک زندگی برشمرد.

فارابی برای سبک زندگی مدینه فاضله را مطرح می‌کند و در مقابل آن، مدینه جاهلیه یا ضاله را قرار می‌دهد و به مدینه ضروریه، نضاله، کرامت، تغلبیه و جماعیه اشاره می‌کند.

#### ۱. مدینه ضروریه

در این سبک زندگی، افراد جامعه، جویای نیازهای اولیه خویش هستند. مانند خوراک - اعم از خوردنی و آشامیدنی - پوشاک و مسکن. راه‌های رسیدن به این مقصود که در چنین جامعه‌ای بدان تمسک می‌شود، عبارت است از تجارت، کار و کسب، کشاورزی، دام‌پروری، شکار، دزدی و امثال آن.

#### ۲. مدینه نزاله یا جامعه فرومایگان



در این سبک زندگی، هدف افراد از فعالیت و همکاری اجتماعی، در مرحله نخست، اندوختن مال و کسب ضروریات زندگی بیش از نیاز به جهت آزمندی و دلبستگی به ثروت بوده، از سوی دیگر، پرهیز از صرف مال، مگر برای تأمین معاش و رفع نیازهای جسمانی است. هدف از زندگی در این نوع سبک زندگی، خست و شقاوت، تنها کامرانی و خوش گذرانی، خواه جسمانی، خواه روحی و خواه هردو است.

### ۳. مدینه کرامت

فارابی سبک زندگی مدینه کرامت را، بهترین مدینه جاهلیه یا ضاله می‌داند. چرا که انگیزه فرمانروایان آن، کسب احترام و اعتبار است..

### ۴. مدینه تغلبیه

مدینه تغلب، مشتق از غلبه، جامعه‌ای است که حکومت آن خودکامه، مستبد و به تعبیر امروزی‌تر، دیکتاتور است..

### ۵. مدینه جماعیه

منظور از این مدینه، جامعه‌ای است که حکومت آن تابع رأی و رضایت مردم است و به تعبیر امروزی «دموکراتیک» است.

قرآن راه رسیدن به مدینه فاضله که انسان به دنبال آن است را به خوبی تبیین کرده است، زیرا سبک زندگی قرآنی بر مبنای هدایت و قرآن کتابی سراسر نور و هدایت است و قرایت و حاضر بودن آن در زندگی لازم است چرا که این کتاب در بعد فردی به پرورش فضایل اخلاقی و در بعد اجتماعی نیز از طریق امر به کناره‌گیری از رذایل و نهیات اجتماعی به اصلاح جامعه می‌پردازد. اگر سبک زندگی قرآنی در جامعه نهادینه شود آن وقت است که جامعه به مدینه‌ی فاضله تبدیل می‌شود. بحث سبک زندگی از دیرباز تاکنون مورد توجه بوده است. سبک زندگی قرآنی، در واقع نوع زیستن را به انسان‌ها معرفی می‌کند؛ آیات بی‌شماری دال بر این موضوع وجود دارد. سبک زندگی قرآنی یعنی زندگی برآمده از آموزه‌های قرآنی که جامعه را به سمت زیست قرآنی رهنمون می‌سازد و ریشه در ارزش‌های الهی دارد. انسان در نگرش قرآنی، موجودی با مأموریت و مسئولیت الهی برای بازسازی و عمران و آبادانی زمین در راستای دستیابی به کمال شایسته و بایسته و وظیفه خطیر خلافت الهی است.



زندگی معمولی انسان‌ها همواره با فشارهایی همراه بوده که انسان خود مسبب آن است. همه انسان‌ها در هر موقعیتی که هستند خواهان آسایش و زندگی معمولی و بی‌دغدغه هستند؛ اما همراه شدن زندگی انسان‌ها با اضطراب‌ها، افسردگی‌ها و دلخوری‌ها، انسان را از هدف زندگی دور ساخته است. زندگی به نوبه خود به پازلی سخت و پیچیده می‌ماند؛ حال اگر انسان خود بر این سختی و پیچیدگی بیفزاید دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند. به‌طور معمول انسان در طول زندگی پیوسته به فردا یا اشتباه‌هایی که در گذشته انجام داده فکر کرده و سعی نمی‌کند در زمان حال زندگی کند. همین موضوع مقدمه بروز دغدغه‌ها و افسردگی‌ها در زندگی می‌شود. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید:

«إذا التبست عليكم الفتن، كقطع الليل المظلم فعليكم بالقرآن»

هنگامی که فتنه‌ها، همچون پاره‌های شب تاریک، شما را در خود پیچید، بر شماست که به قرآن تمسک جوید.»

این روایت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) انسان را رهنمون می‌کند که در هنگام مواجهه با فتنه‌ها و سختی‌ها به قرآن پناه برد. قرآن بهترین گفتار است، چون گفتار خدا است و از علم و قدرت بی‌نهایت او سرچشمه یافته است. پس باید دید قرآن کریم چه راه‌حلی را برای برون‌شدن از این سختی‌ها و رسیدن به سبک زندگی قرآنی بیان کرده است. قرآن که به فرموده حضرت علی (علیه‌السلام) خیرخواهی است که هرگز خیانت نمی‌کند، برای زندگی انسان، اندیشه و سبک ویژه‌ای را مطرح کرده و نام آن را حیات طیبه گذاشته تا به‌واسطه آن به مقام قرب ربوبی و به مظهریت صفات الهی برسد.

سبک زندگی در عصر حاضر که عصر غیبت است دارای اهمیت بیشتری می‌باشد و از پرسش‌های مهم به‌شمار می‌آید؛ چراکه وظیفه مهم، تربیت نسل متناسب با عصر ظهور برای یاری امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است. با دقت در آیات و روایات بروز و ظهور حیات طیبه و رسیدن به حیات صحیح در دوران ظهور، در سایه معرفت حجت خدا تحقق خواهد پذیرفت. حکومت در زمان حضرت ولی عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) از آن صالحان بوده و حیات طیبه در سایه ولایت ایشان محقق می‌گردد. قرآن کریم با معرفی حیات طیبه به‌عنوان سبک ویژه قرآنی، در پی بهبود زندگی جوامع بشری بوده و هرگز به‌دنبال یکسان‌سازی سبک زندگی به‌طور مطلق نیست.



سبک زندگی طیب و صحیح در جوامع مختلف بر اساس شرایط اقلیم و زیست‌بوم و ارزش‌های هر جامعه وارد شده و آداب و ارزش‌های هر جامعه را بر اساس فرهنگ آن جامعه تعریف می‌کند.

پیامبرانی که در طول تاریخ برای هدایت بشر فرستاده شدند، از جمله رسالت‌های مهم ایشان معرفی و شناساندن این نوع سبک زندگی بوده است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) همانند بسیاری از پیامبران کوشید تا سبک زندگی دینی را در چارچوب کلان شیوه زندگی اسلامی عرضه کند. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به‌شدت به جنگ با افکار و رفتارهای جاهلی پرداخت و با بررسی نقادانه از فرهنگ جاهلی برخی را رد و برخی دیگر را اثبات و امضا می‌کند.

بعثت سرآغاز تحول و دگرگونی بود که این تحول ابتدا در «جان» پیامبر رخ داد و نفس او را به عالم غیب پیوند زد و سپس در جامعه اتفاق افتاد. جامعه پیش از بعثت که با ظلم، شرک و فساد، آلوده است، به‌سمت و سوی توحید و عدالت و صلح، روی آورد و با گسترش ایمان، این تحول عمیق‌تر و وسیع‌تر شد. در منابع اسلامی از جامعه آغازی که بعثت در آن رخ داد، به جامعه «جاهلی» تعبیر شده است.

در حقیقت سبک و شیوه‌ای که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای مردم آورد، سبک زندگی بر اساس توحیدمحوری است که امنیت و آرامش را به همراه دارد. اما در عصر حاضر، با وجود پیشرفت تکنولوژی، بشر با انواع تهاجمات روبه‌رو گشته و سرانجام زندگی انسان با ناملایمت‌ها و افسردگی‌ها همراه شده و از زندگی واقعی دور شده است. شناخت سبک زندگی مورد نظر خداوند و حرکت در مسیر آن از جمله نیازهای بشر است. به همین دلیل سبک زندگی قرآنی با عنوان حیات طیبه معرفی شده است و در حقیقت رسیدن به اخلاق انسانی، رسیدن به حیات طیبه و آن حیاتی است که تنها یک بار در قرآن به‌صراحت از آن سخن به میان آمده و توصیف آن به طیب که گویای خالص‌بودن آن از هرگونه آلودگی‌ها است و برخورداری از آن، مایه آبادانی دنیا و آخرت انسان است، همین پرسمان، اهمیت سبک زندگی را روشن می‌کند و انسان را بر آن می‌دارد تا به دنبال دستیابی بدان باشد.



## ابعاد سبک زندگی

قرآن مفاهیم، توصیه ها و بایدها و نبایدهای بسیاری برای زندگی دارد که اهتمام به آنها، سبک زندگی مطلوب را برای انسان رقم می زند که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

### زندگی پس از مرگ

در قرآن زندگی به دوره تولد تا مرگ، خلاصه نمی شود. بلکه زندگی پس از مرگ نیز ادامه دارد:

«نحن أولیاءکم فی الحیوة الدنیا و فی الآخرة و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم لکم فیها ما تدعون؛

ما یاران و مددکاران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم و برای شما هر چه بخواهید در بهشت فراهم است و هر چه طلب کنید به شما داده می شود».

این نکته بسیار مهمی است که مرگ مرحله ی دگرگونی در نظر گرفته شود نه نقطه پایان. دوره پیش از تولد و پس از آن، با یکی از حیاتی ترین ابعاد زندگی انسان مواجه بوده و آن تربیت است که در پرتو آن انسان به سعادت مطلوب می رسد. نوع زندگی، رفتار، اخلاق و حتی خوراک مادر در آن دوران دارای اهمیت ویژه ای بوده و در سبک زندگی فرزند اثرگذار است. اما به شکل مطلق نمی توان آن را در نظر گرفت، بلکه به عنوان عاملی برای سبک زندگی فرد به شمار می آید. این عامل به شکل ژنتیکی از مادر و حتی پدر به فرزند منتقل می شود. پس سبک زندگی والدین را باید به صورت عاملی اثرگذار در سبک زندگی فرزند در نظر گرفت نه به شکل مطلق. اصل تربیت برای رسیدن به هدف نهایی آفرینش، امری بسیار روشن است.

از نظر قرآن زندگی دنیایی یا همان مادی و پایینی، اهمیت چندانی ندارد و بازی و سرگرمی دانسته شده که گذرا و کوتاه است.

«و ما الحیوة الدنیا إلا لعب و لهو و للدار الآخرة خیر للذین یتقون أفلا تعقلون؛

و زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست، و سرای آخرت برای آن ها که پرهیزگارند بهتر است آیا نمی اندیشید».

اما این طور نیست که زندگی دنیا را رها کرده و برنامه ای را برای آن طراحی نکرده باشد.



## هدف‌مندی جهان آفرینش

از دیدگاه قرآن کریم، جهان آفرینش بیهوده و باطل آفریده نشده، بلکه به حق و رو به سوی هدف معینی در حرکت است. از دیگر طرف، خداوند تمامی آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، خلق کرد تا در خدمت حیات و کمال انسان باشد. اما حیات حقیقی در قرآن کریم از آن خداوند است و همه‌ی موجودات دارای بهره‌ای از آن هستند. درواقع جهان خلقت مظهر رحمت رحمانی پروردگار است و مسیری است که از طریق آن هر موجودی به کمال خویش دست می‌یابد. انسان نیز به واسطه همین رحمت، به کمال خویش می‌رسد که همان رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و مظهریت صفات الهی است.

حیاتی که خداوند در این زمینه به انسان معرفی می‌کند، حیات طیبه است که مظهري از حیات حقیقی خداوند است؛ حیاتی که عاری از هر نوع خباثت و آلودگی است.

در حقیقت حیات طیبه حیاتی است که با گزینش آن از میان دو حیات مادی و معنوی، انسان به آرامش در دنیا و آخرت دست می‌یابد. این حیات به نوعی حیات اخلاقی است؛ زیرا انسان، زمانی شایسته نام انسان است و توانایی رسیدن به مقام قرب الهی را دارد که از اخلاق انسانی برخوردار باشد. برخورداری از اخلاق انسانی، باعث تعالی شخصیت معنوی انسان گشته و نه تنها در همین دنیا، بلکه در آخرت نیز مایه سعادت انسان است، در غیر این صورت، وی حیوان خطرناکی می‌شود که با استفاده از هوش و استعدادهای سرشارش، در راهی غیر از آنچه خداوند برای او در نظر گرفته حرکت خواهد کرد.

## محور حیات

هر حیاتی نیازمند محوری است که تمامی پرسش‌های زندگی در پرتو آن محور، معنا و مفهوم یابد. همین محوریت است که انسان را به سوی خود کشانده و اعمال و رفتار او را سازماندهی می‌کند. محوریت زندگی در حیات طیبه، خداوند است؛ از این رو، هر آنچه در این مرحله از زندگی از انسان سر می‌زند با محوریت او و برای رضای اوست. هر قدر انسان به این محور پایدارتر باشد، بهره‌مندی او از حیات طیب بیشتر است.



یاد خداوند، از راه‌های بهره‌مندی از این حیات با محوریت الله است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را بسیار یاد کنید • و صبح و شام او را تسبیح نمایید».

فراموشی یاد خداوند، مساوی است با سقوط انسان در دامن حیاتی دیگر، با محوریتی غیر از الله که نتیجه آن جز گمراهی و تحیر، چیز دیگری نخواهد بود. به واسطه حیات طیبیه، انسان به مقام قرب ربوبی و به مظهریت صفات الهی می‌رسد.

### **هدفمندی سبک زندگی و مرتبه بالای سبک زندگی مطلوب**

تفاوت سبک زندگی صحیح با دیگر سبک‌های زندگی در نوع هدف آن‌ها است؛ چراکه یک فرد فاسد نیز در زندگی خود دارای هدف است و آن رسیدن به دنیا است.

«فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يَرِدْ إِلَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا؛

حال که چنین است از اینها که از ذکر ما روی می‌گردانند و جز زندگی مادی دنیا را نمی‌طلبند، اعراض کن»، همان‌طور که یک فرد پاک دارای هدف است و آن رسیدن به آخرت است.

«رَجَالٌ لَا تُلْمِيهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَابِيعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْإِبْصَارُ؛ وَ «الْمُتَرَدِّينَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَ عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْ لَا أَخَّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ وَ لَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا؛

آیا ندیدی کسانی را که (در مکه) به آن‌ها گفته شد (فعلاً) دست از جهاد بدارید و نماز را برپا کنید و زکات بپردازید، اما آن‌ها از این دستور ناراحت بودند) ولی هنگامی که (در مدینه) فرمان جهاد به آن‌ها داده شد جمعی از آنان از مردم می‌ترسیدند همانگونه که از خدا می‌ترسند، بلکه بیش‌تر و گفتند پروردگارا چرا جهاد را بر ما مقرر داشتی؟ چرا این فرمان را کمی تاخیر نینداختی؟ به آن‌ها بگو سرمایه زندگی دنیا ناچیز است و سرای آخرت برای کسی که پرهیزکار باشد بهتر است و کوچکترین ستمی به شما نخواهد شد. اما تفاوت آن‌ها در نوع هدف‌شان در زندگی است.



«من کان یرید حرث الاخره نزد له فی حرثه و من کان یرید حرث الدنیت نؤته منها و ما له فی الاخره من نصیب؛ کسی که زراعت آخرت را بخواهد به او برکت می‌دهیم، و بر محصولش می‌افزاییم، و آن‌ها که فقط کشت دنیا را می‌طلبند کمی از آن به آن‌ها می‌دهیم اما در آخرت هیچ نصیبی ندارند!»، و «زین للذین کفروا الحیاء الدنیا ویسخرن من الذین ءامنوا والذین اتقوا فوقهم یوم القیامه والله یرزق من یشاء بغير حساب؛

زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد با ایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می‌کنند، در حالی که پرهیزکاران در قیامت بالاتر از آنان هستند، (چرا که ارزش‌های حقیقی در آن‌جا آشکار می‌گردد، و صورت عینی به خود می‌گیرد)، و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد».

سبک زندگی صحیح درواقع همان شیوه زندگی انسان است که برای رسیدن به هدفی خاص تلاش می‌کند که همان رسیدن به کمال انسانیت است. محوریت زندگی در سبک زندگی صحیح، رسیدن به ایده‌آل انسان یعنی انسانیت است. محوریت زندگی در حیات طیبه خداوند است. در حقیقت رسیدن انسان به کمال انسانیت هنگامی میسر می‌شود که انسان در تمام وجوه زندگی خود، خداوند را محور قرار دهد.

از نظر قرآن مرتبه بالای سبک زندگی در حیات طیبه است.

«من عمل صالحا من ذکر أو أنثی و هو مومن فلنحیینه حیوة طیبه و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون؛ هر کس عمل صالح کند، در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم، و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد».

درواقع می‌توان ادعا کرد سبک زندگی صحیح، جوهر اصلی حیات طیبه را تشکیل می‌دهد و حیات طیبه در ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه انسانی، در قالب سبک زندگی نمایان می‌شود.

«یاایها الذین ءامنوا هل أدلکم علی تجاره تنجیکم من عذاب ألیم تؤمنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله بأموالکم و أنفسکم ذلکم خیر لکم إن کنتم تعلمون(آیه ۱۰ سوره صف)



ای کسانی که ایمان آورده‌اید آیا شما را به تجارتی دعوت کنم که از عذاب دردناک شما را رهائی می‌بخشد؟! به خدا و رسول او ایمان بیاورید، و در راه خداوند با اموال و جان‌هایتان جهاد کنید، این برای شما از هر چیز بهتر است بدانید».

## تعبیر حیات طیبه

تعبیر حیات طیبه تنها در یک آیه قرآن به صراحت بیان شده است.

«من عمل صالحا من ذکر أو أنثی و هو مومن فلنحیینه حیوة طیبه و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا یعملون؛

هر کس عمل صالح کند، در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم، و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد».

درباره معنای حیات طیبه نظرات گوناگونی توسط مفسران مطرح شده است:

۱. رزق و روزی حلال، زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی، بهشت پرتراوت و زیبا و زندگی خوش در آنجا، زندگی خوشبختانه در بهشت برزخی.
۲. حیات طیبه، عبادت همراه با رزق حلال
۳. حیات طیبه، زندگی تازه‌ای که حریم آلودگی در آن نیست و فقط قرب الهی مدنظر است
۴. حیات طیبه، همین حیات دنیوی است که مقارن با قناعت و رضا به قسمت خدای سبحان باشد؛ زیرا چنین حیاتی پاکیزه‌ترین زندگی است.
۵. حیات طیبه، قناعت است؛ زیرا قناعت سبب عزت و بی‌نیازی از مردم است.
۶. حیات طیبه یعنی سعادت.
۷. حیات طیبه، شناخت پروردگار است.

ریشه حیات به معنای زندگی، ۱۸۴ بار در قرآن کریم به کار رفته که تنها ۱۵ مورد آن به معنای زندگی نبوده و به معانی، انسان، طبیعت و خدا آمده است. ریشه طیب نیز ۵۰ بار در قرآن به کار رفته است و برخی از معانی آن شامل: خوردنی‌های پاکیزه، زندگی پاکیزه، رزق پاکیزه، مسکن پاکیزه و گفتار پاکیزه است.



حیات طیبه درواقع نتیجه و پاداش عمل آدمی بوده که به سبب عمل صالح مشروط به ایمان راستین، نصیب انسان می شود. همچنین پاداش صبر پرهیزگاران بوده که پیمان خدا را شکسته و آن را به بهای ناچیز نفروخته اند. زندگی پاک از هرگونه نابودی، کمبودی، ناکامی، بیم و اندوه از جمله ویژگی های این سبک زندگی است. در برابر سبک زندگی سالم اسلامی، زندگی فرومایگی، زیر نفوذ شیطان وجود دارد و آن برای کسانی است که فرمانبر شیطان هستند. سبک زندگی اسلامی در «حیات طیبه» حیاتی جدید، غیر از آن حیاتی است که دیگران زندگی می کنند. درواقع سبک زندگی در حیات طیبه، زندگی حقیقی و واقعی است نه مجازی. حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می آید. از آن جهت که «حیات» سبب حرکت در همه موجودات است «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی شده و سبک زندگی جدید و نورانی را برای آدمی به دنبال دارد. پژوهش در حیات طیبه که اصطلاحی قرآنی است و بررسی ویژگی های زندگی مرتبط با آن می تواند ما را به سبک زندگی مد نظر اسلام رهنمون کند.

علامه طباطبایی می نویسد: "معنای حیات طیبه این نیست که خداوند زندگی طبیعی و مادی او را خوب و پاکیزه می کند؛ فرمود اگر کسی پرهیزگار بود و عمل خوب کرد، ما زندگی موجود او را پاکیزه می کنیم، یعنی تنها صفت زندگی او را که برای مثال، خبیث بود، به طیب تبدیل می کنیم، بلکه فرمود: ما او را به زندگی پاکیزه زنده می کنیم و از این تعبیر، استفاده می شود که مقصود از «حیات طیبه» زندگی تازه ای است که در حریم آن آلودگی راه ندارد و آثار حقیقی بر آن مترتب می شود".

علامه طباطبایی آنگاه به آثار حیات طیبه اشاره می کند و می نویسد: پرهیزگاران در حیات طیبه دارای علم و قدرتی هستند که می توانند حقیقت اشیا را ببینند، از این رو، اشیا در نگاه آنان، به دو گونه حق و باطل نمودار می شود. آنان از امور باطل دوری می کنند که زندگی مادی دنیا و ظواهر فریبنده آن است و به عزت خداوند اعتزاز می جویند. وقتی عزت پرهیزگاران از خدا شد، دیگر وسوسه های شیطان و هوا و هوس های نفس اماره و فریبندگی های دنیا نمی توانند آن ها را ذلیل کنند؛ زیرا دریافته اند که دنیا و نعمت هایش فناپذیرند. صاحبان حیات طیبه دل در گرو پروردگار خویش سپرده اند و جز او را نمی خواهند و جز تقرب به درگاه او را دوست نمی دارند. آنها تنها از عذاب خدا



در هراسند و برای خویشتن زندگی پاک و جاودانه‌ای سراغ دارند که جز پروردگار بخشنده و مهربان آن را اداره نمی‌کند و در مسیر زندگی خود، جز معصیت و نافرمانی خدا، همه چیز را جمیل و زیبا می‌بینند. وقتی انسان به چنین جایگاهی برسد، در نفس خود نور، کمال، قوت، عزت، لذت و سروری می‌یابد که نه می‌توان اندازه‌اش گرفت و نه می‌توان توصیفش کرد. و چرا اینگونه نباشد و حال آن که او در حیاتی جاودانه و نعمتی فناپذیر و لذتی خالص از درد و کدورت و سعادت خالی از شقاوت غرق است؟ و این همه، آثاری است حقیقی و ماندگار از آن حیات طیبه. بنابراین، زندگی پاکیزه، حیاتی است خالص که هیچ خبثیتی در آن نیست تا آن را فاسد و یا آثارش را تباه کند. چنین به نظر می‌رسد که علامه، بین رسیدن به حیات طیبه و زندگی دنیا ارتباط تنگاتنگی قائل شده است. رسیدن به حیات طیبه در گرو گذر از زندگی دنیا بوده و به هر اندازه که انسان در زندگی دنیا از امکانات خود برای رشد استفاده کند به همان اندازه به حیات طیبه نزدیک شده است. زندگی دنیا باید به مثابه پلی در نظر گرفته شود که آدمی از روی آن می‌گذرد. انسان نمی‌تواند روی پل بماند، دیر یا زود باید از آن بگذرد. پس زندگی دنیا پلی برای رسیدن به حیات طیبه است. فرستاده شدن پیامبران، نزول کتب آسمانی همگی برای این بوده که انسان را در زندگی دنیا به حیات طیبه رهنمون کند که زندگی ایده‌آل است.

حیات طیبه بر دو پایه استوار است: «ایمان» و «عمل صالح»؛

«من عمل صالحا من ذکر أو أثنی و هو مؤمن فلنحینه حیاة طیبة»؛

هر کس عمل صالح کند، در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می‌بخشیم، و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد.

فرد پرهیزگار و صالح از آرامش و صفای دل برخوردار است. قرآن در معرفی پرهیزگار می‌فرماید: کسی که در کردارهایش میانه‌رو است و از زندگی زجرآور تجملی، چشم و هم‌چشمی، اسراف و تبذیر پرهیز می‌کند، او پرهیزگار است؛

«و الذین إذا أنفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما (آیه ۶۷ سوره فرقان)



مؤمنان کسانی هستند که چون هزینه می‌کنند اسراف نمی‌کنند و خست نمی‌ورزند، بلکه میان این دو، راه اعتدال را می‌گیرند؛

و این همان اعتدال و اقتصاد؛ یعنی برنامه‌ریزی برای زندگی چه در اجتماع و چه در خانواده؛ چه توسط فرد و چه توسط دولت، است که زمینه‌ساز رسیدن به حیات طیبه و آرامش روحی و روانی ابدی است. طبق همین آیه، حیات طیبه غیر از ایمان، به عمل صالح نیز احتیاج دارد؛ البته ایمان راستین، عمل صالح را به وجود می‌آورد و عمل صالح هم ایمان را زیاد می‌کند. هر گامی که پرهیزگار در راه انجام اعمال صالح بر می‌دارد به ایمان خود می‌افزاید و ازدیاد ایمان و رشد و پرورش روحی، کردار شایسته را به دنبال دارد. معیار برخورداری از حیات طیبه، ایمان و بردباری در جهاد با هواهای نفسانی است.

قرآن کریم در موارد دیگری نیز از عمل صالح، سخن گفته است و اصرار کرده که هر کس عمل صالح انجام دهد، برای خودش انجام داده و برای فرجام خود ذخیره کرده است. این فرجام خوش در آیه دیگری روشن‌تر آمده است: «من عمل سیئۀ فلا یجزیٰ إلا مثلها و من عمل صالحا من ذکر أو أنثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنة یرزقون فیها بغير حساب (آیه ۴۰ سوره غافر)

هر کس عمل بدی انجام دهد جز به مانند آن کیفر داده نمی‌شود، ولی کسی که عمل صالحی انجام دهد، خواه مرد یا زن، در حالی که مؤمن باشد وارد بهشت می‌شود و روزی بی‌حسابی به او داده خواهد شد.

از این آیه فهمیده می‌شود، هر کس چه مرد و چه زن کار بدی بکند همان مقدار مجازات می‌شود، اما هر کس کار نیک انجام دهد و ایمان داشته باشد فرجامی که برای خود کنار گذاشته جزایی بهتر از عملی است که انجام داده، یعنی همان بهشتی که در آن روزی بی‌حساب خواهد خورد. پس کار نیک و ایمان، دو شرط زندگی پاکیزه در دنیا و بهشت بی‌حساب در آخرت است. این نکته در آیه شریفه:

«الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبیٰ لهم و حسن مآب؛

آنها که ایمان آوردند، و عمل صالح انجام دادند پاکیزه‌ترین (زندگی) نصیبشان است و بهترین سرانجام‌ها».



هم بیان شده است. این زندگی از سوی خدا به انسان پرهیزگار عطا می‌شود. در مقابل کسی که بدی کند، به همان اندازه مجازات خواهد شد و در دنیا هم ممکن است از دارایی بسیاری برخوردار شود، چراکه آخرت خود را به دنیا فروخته و خواهان سعادت اخروی نیست. این دسته از افراد که زندگی و مرگ را به ماده، طبیعت و دهر نسبت می‌دهند، آرزوی عمر هزار ساله دارند، چون زندگی دنیا که همان مال، فرزند، طلا و دیگر بازیچه‌ها است را بر زندگی آخرتی که حیات اصلی و جاویدان است ترجیح داده‌اند. از این‌رو، شاید امکانات خوبی داشته باشند اما در زندگی دنیایی خود هم عذاب می‌بینند و عذاب آخرتی آنان سخت‌تر خواهد بود.

بنابراین، اگر انسان پرهیزگار و معتقد به خداوند باشد، اما عمل صالح انجام ندهد و یا اگرچه عمل صالح انجام داده، عملش خالی از ایمان و عقیده باشد، به حیات طیبیه نمی‌رسد. اما باید در نظر داشت که اثر ایمان و عمل صالح در راه‌یابی انسان به حیات طیبیه، خود مقید و مشروط به هدایت است که در آیه ۸۲ سوره طه بدان اشاره شده است.

«و إني لغفار لمن تاب و ءامن و عمل صالحا ثم اهتدى؛

و به‌طور یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کرد و ایمان آورد و کار شایسته انجام داد، سپس در راه مستقیم پایداری و استقامت ورزید».

براساس جایگاه نزول وارده در مورد آیه یادشده، مراد از اهتدی در این آیه، پذیرش ولایت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) است؛ ولایتی که خداوند تشریع و اطاعت آن را نیز واجب کرده است.

قرآن کریم اصل و اساس آرامش واقعی را در ذکر الهی دانسته، نه در فرو نشستن جنگ‌ها. جامعه‌ای که آهنگ و قصد عمل صالح داشته باشد، جامعه‌ای زنده با بخش‌های پویا و سازمان‌های سازنده دارد و به‌طور یقین چنین جامعه‌ای بهره‌وری‌های مختلف اقتصادی- فرهنگی- اجتماعی را به‌دنبال داشته و جوانانش امید دارند و فاقد افسردگی‌های روحی هستند. در حقیقت ایمان نوعی علم و آگاهی همراه با عقیده قلبی است و نوعی باور بوده که در اعماق جان انسان نفوذ می‌کند و سرچشمه فعالیت‌های سازنده می‌شود که اگر همراه با عمل صالح شود «حیات طیبیه» را به بار می‌آورد.



ایمانی که در قلب بسته شده و در عمل بروز داده شد، به سالم‌سازی اجتماع کمک می‌کند و دوستی و محبت را در جامعه ایجاد کرده و مردمی شاداب و پرانگیزه تربیت می‌کند. در برداشت سبک زندگی از قرآن، باید به ساعات نیایش، کار، آرمیدن، شیوه برخورد با نعمات الهی، مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها، سهم دنیا و سهم آخرت در زندگی، تربیت و آداب فردی، خانوادگی و اجتماعی، نگاهی کلان داشت و کلیتی از سبک زندگی پرهیزگاران را برای طبقات گوناگون جامعه عرضه کرد. اگرچه پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، الگوی مردم است، اما نمی‌توان از هر فردی توقع داشت، همانند پیامبر و اولیای الهی زندگی کند، همان‌گونه که بین رسولان و انبیا تفاوت مقامی و فضیلت وجود دارد.

قرآن حیات دنیا و استفاده از نعم و امکانات آن را نفی نمی‌کند، بلکه دنیایی مورد مذمت قرآن است که بدون در نظر گرفتن آخرت برای برآورده کردن هوا و هوس‌ها زندگی دنیا، سپری شود. از این‌رو، پویندگان حیات طیبه، به زندگی دنیا و جلوه‌های آن از مال، زن و فرزند بی‌توجه نیستند. در حقیقت تجلی سبک زندگی قرآنی در مرتبه بالاتر و در حیات طیبه بروز پیدا می‌کند. حیات طیبه مرتبه‌ای از شناخت یقینی انسان است که پرهیزگاران خالص، در طی معرفت و عمل به دستورات قرآنی بدان موفق می‌شوند.

ویژگی‌هایی که این حیات ممتاز دربردارد، عبارتند از:

حیات طیبه از معنای واقعی زندگی پرده بر می‌دارد؛ زیرا اساس آن بر محوریت خداوند است. به دیگر عبارت تمام هدف انسان در این حیات، قرب الهی و خدامحوری است. از این‌رو، اطمینان و آرامش عمیقی در این زندگی حضور دارد که ناملایمات و سختی‌ها را تحمل‌پذیر کرده و نقاط مثبت زندگی را گسترش می‌دهد و این طرز تفکر منوط به قوت ایمان و انجام اعمال صالح است. حیات طیبه، زندگی زیبا را در خود دارد. پس از آن، انسان مشمول نعمت الهی قرار گرفته و مورد رضایت او واقع می‌شود. حیات طیبه انسان پرهیزگار را آماده می‌کند تا حقیقت اشیا را آن‌طور که هستند، ببیند و بتواند بین حق و باطل تمایز برقرار کند. زندگی در حیات طیبه قوی‌تر و دارای آثار بیشتری است.



حیات طیبہ زندگی آباد دنیوی را در پی دارد. منظور از آبادانی زندگی، رفاه کامل زندگی نیست؛ بلکه آسایش خاطر و انگیزه متعالی و تلاش وافر در زندگی است. توصیف خداوند از این زندگی به حیات طیبہ بدین دلیل است که حیاتی است خالی از پلیدی و در آن انگیزه و تلاش انسان در محور خداوند بوده و از مواهب دنیوی و اخروی بهره‌مند می‌شود. خیر حیات طیبہ بر دنیا و آخرت گسترده شده و برخورداران از آن در همین دنیا از آن بهره‌مندند:

«فَعَنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ پس پاداش دنیوی و اخروی نزد خدا است».

از آن‌رو که حیات طیبہ، نهایت کمال الهی انسان است، به همین دلیل آن عالم و برخورداران از درجات آن، معیار و میزان هستند. راه یافتگان به حیات طیبہ به اوج درجات کمال نایل می‌شوند و این به علت محور قرار دادن خداوند در تمام شئون زندگی خود بوده و هدف قرار دادن خداوند در سیر حرکتی خود باعث رسیدن به این کمال شده است. این افراد در حقیقت، معیار و میزانی می‌شوند برای در راه ماندگان و این ویژگی خاص حیات طیبہ بوده که در آن انسان به نهایت کمال می‌رسد.

با پیشرفت علم و دانش در مظاهر هستی، حیات انسان تغییر کرده و انسان حیات تازه‌ای را تجربه می‌کند. بنابراین، از برترین شاخص‌های حیات طیبہ، علم است. اهل بیت: معدن و منبع این علم و سرآمد اهل حیات طیبہ‌اند؛ شاخصه کسانی که به حیات طیبہ رسیده‌اند، ویژگی دارا بودن علم است. طبق آیه شریفه:

«انما العلم عند الله؛ تمام علم نزد خداوند است».

جامعه‌ای که سبک زندگیش بر طریق حیات طیبہ باشد روندی علمی دارد و عقب‌افتادگی در این جامعه معنا ندارد. در چنین جامعه‌ای هیچ‌گونه هرج و مرجی وجود ندارد؛ چراکه همه اصول آن براساس علمی بوده که این علم در طی معرفت خداوند و عمل به دستورات قرآن میسر شده است.

کسانی به حیات طیبہ راه پیدا می‌کنند که دل و جان خود را صاف کرده و از همه تعلقات و تیرگی‌ها رها ساخته و آیین‌گون شده باشند. اینها کسانی هستند که خدا را با تمام وجود درک کرده و آینه دار نور و نام او شده‌اند و در میان مردم با این نور حرکت کرده و مایه هدایت خلق هستند؛

«أَوْ مِنْ كَانِ مِيتًا فَاحْيِيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مِثْلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا؛



آیا کسی که مرده بود سپس او را زنده کردیم و نوری بر او قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد»،

این چنین انسانی که به حیات طیبه رسیده در نفس خود به چنان نور و کمالی می‌رسد که نمی‌توان اندازه‌ای برایش معین کرد. این افراد به مقدار میزان درکی که از خداوند در وجود خود پیدا کرده‌اند، توان انعکاس نور را دارند و در جامعه با این نور، حرکت می‌کنند.

در حقیقت جایگاه صاحبان حیات طیبه، قرب الهی و رسیدن به خدا است. در چنین جامعه‌ای ایشان راه درست را یافته، به جایگاه و موقعیت راستین می‌رسند و با حق به سر می‌برند، نه با فریب‌ها و سراب‌ها.

«و قل جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقا؛

و بگو حق فرا رسید و باطل مضمحل و نابود شد و (اصولا) باطل نابود شدنی است!».

زندگی معمولی انسان سرشار از سراب‌هایی بوده که آدمی برای خود ساخته و انسان بارها گرفتار آن سراب‌ها شده و در آن غرق می‌شود. به هر اندازه که انسان بتواند راه راست را از سراب گونه‌های زندگی تشخیص دهد به همان اندازه به جایگاه راستی که از ثمرات حیات طیبه بوده، نزدیک می‌شود. در چنین جایگاهی انسان هرگز در پیشگاه خداوند به استکبار رفتار نمی‌کند؛ چراکه تمام هستی خود را ملک خدا دانسته و می‌داند که بدون حمایت الهی از هیچ‌یک از آنان برخوردار نمی‌گردد.

### تشویق و تنبیه

در دین اسلام، از ابزارهای تشویق، تنبیه، تبشیر و انذار برای مقابله با این انحرافات کمک گرفته شده است. مجلسی، در بحارالانوار آورده که حضرت عیسی (علیه‌السلام) فرمود:

«لن یلج ملکوت من لم یولد مرتین»؛ به ملکوت آسمان‌ها راه نمی‌یابد، کسی که دو بار زاده نشود.

طبق این روایت روشن می‌شود که رسیدن به حیات طیبه لازمه‌اش متولد شدن دوباره انسان در زندگی دنیا است. انسان باید در زندگی دنیا متولد شود و گوشت و پوست معنوی به‌خود بپوشاند تا بتواند به حیات ایده‌آل برسد که



همان حیات طیبه است. در حقیقت تجلی حیات طیبه در زندگی انسان، وی را از تمام انحرافات نجات داده و زندگی سرشار از ناملایماتش را به زندگی سرشار از آرامش بدل می‌کند.

مطابق تفاسیر متعدد حیات طیبه در همین دنیا محقق می‌شود. دلیلی که برای این موضوع می‌آورند آن است که در قسمت دوم آیه می‌فرماید:

«و لنجزینهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون»

و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد»، بدین معنا که هرکس ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد خداوند در دنیا به او حیات طیبه می‌بخشد و در آخرت نیز اعمالش را به بهترین نحو پاداش می‌دهد».

علامه طباطبایی می‌نویسد: با توجه به این‌که در آیه، سخن از جزای الهی به نحو احسن به میان آمده، استفاده می‌شود که حیات طیبه مربوط به دنیا است و جزای احسن مربوط به آخرت».

مطابق با آیات قرآن لقا پروردگار متعال بالاترین مصداق حیات طیبه خواهد بود، سوره کهف آیه ۱۱۰:

«فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملا صالحا و لا يشرك بعبادة ربه أحدا»

پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ‌کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

در عصر امروز که عصر فرو رفتن در لذایذ زندگی دنیوی و دیگر انحرافات رسانه‌ای است، شناسایی حیات طیبه قرآنی، آلودگی‌های زمان حاضر را از زندگی محو کرده و آرامش را برای بشریت به ارمغان می‌آورد، این بشر همان است که به معنای واقعی، به علم و قدرت می‌اندیشد تا از آن‌ها برای رفاه مردم جهان و کمالات مختلفشان استفاده کند. بنابراین اندیشه حیات طیبه به انزوا کشیدن بشر از صحنه جهانی نیست، بلکه به صحنه آوردن بشر با ابزار ایمان و عمل و قدرت است. عصر حاضر، با افرادی مواجه است که در ماه رمضان روزه و نمازشان را به‌جا می‌آورند و قلبی سرشار از محبت به اهل بیت: دارند؛ اما در دیگر ایام سال نمازشان اگر در اول وقت نبود یا گاهی خوانده نشد، چندان ناراحت نیستند، از موسیقی حرام هم نه تنها گریزان نیستند که آن را گاهی لازم هم می‌دانند!



حال این پرسش مطرح می شود که چرا عبادت و زیارت برخی در احیاهای شبهای قدر متفاوت از دیگر رفتارهایشان در دیگر ایام است؟ این موضوع حاصل بی توجهی به چیست و راه حل آن چیست؟ این موضوع مربوط به دسته دوم از مردم است که پایداری بر امور دین ندارند. به این افراد باید تذکر داد که اگر حیات حقیقی را یافتند بر آن مداومت کنند و زمینه را برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراهم کنند که کامل ترین مصداق تجلی حیات طیبه است. شاهبیت بحث سبک زندگی قرآنی این است که احکام و معارف قرآن دارای منظومه ای به هم پیوسته است و پرهیزگار حقیقی آن است که به مجموعه این منظومه عمل کند؛ نه این که اعتقاد به برخی را داشته و آن را انجام دهد و دیگر تکالیف را رها کند.

«أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزي في الحياة الدنيا و يوم القيامة يردون إلى أشد؛

آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می آورید، و به بعضی کافر می شوید؟! برای کسی از شما که این عمل تبعیض در میان احکام و قوانین الهی را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب ها گرفتار می شوند».

### امر به نماز

نمونه بارز سبک زندگی قرآنی، امر قرآن به نماز است، در قرآن در جایی امر به نماز کرده؛ در جایی دیگر بیان می دارد که نمازگزار بودن، تنها لحظه ای ارتباط با خداوند نیست و این ارتباط باید در دیگر شئون زندگی او جریان داشته باشد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: هرگاه زنی شوهرش را آزار دهد، هرچند تمام عمرش را روزه بگیرد و شبها به عبادت پردازد، نمازش قبول نیست.

بر اساس این، سبک زندگی نمازگزار تنها خواندن نماز در اوقات آن نیست؛ بلکه باید نماز را در سرتاسر زندگی جریان دهد، با وجود این اگر نمازگزاران جامعه ما این سبک را در زندگی جاری کنند، چنان نماز برای دیگران زیبا جلوه می کند که نیاز چندانی به تبلیغ مستقیم نماز نیست. نماز امر مهم دین است و دیگر دستورات دینی هم، شبیه



به نماز است و اجرای دستورات شریعت جامعه را سالم ساخته و می‌تواند مصداقی از حیات طیبه باشد و زمینه را برای ظهور حضرت فراهم کند.

### اعتقاد به ظهور

اصالت اعتقاد به ظهور حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) برای سالم‌سازی فرد و اجتماع است و حتی روایات فراوانی در منابع و اصول روایی و اعتقادی فریقین وجود دارد که گواه بر این عقیده است. مطابق با روایات رسیده، در عصر ظهور حوادث و رویدادهایی رخ خواهد داد که سخت‌ترین فتنه‌ها را در بر خواهد داشت و این فتنه‌ها با ظهور امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) برطرف شده و انسانیت به تمام معنا در هستی به‌وجود می‌آید و زندگی بشریت در زمین دگرگون می‌شود. در اینجا به چند روایت اشاره می‌گردد:

در حدیثی که در منابع اهل سنت نقل شده، روایت شده که ابن داود از سعید خدری از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل کرده است که فرمودند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْلَأَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ عَتَرَتِي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَنْ يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا؛

قیامت بر پا نمی‌شود تا این که زمین پر از ظلم و جور شده باشد. سپس مردی از عترتم یا از اهل بیتم (تردید از راوی است) قیام می‌کند و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد؛ همان گونه که پر از ظلم و جور شده است». در روایت دیگری سیوطی در جامع‌الکبیر از حاکم نیشابوری در مستدرک آورده است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند:

«يَنْزِلُ بَامْتَنِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ بَلَاءٌ شَدِيدٌ مِنْ سُلْطَانِهِمْ حَتَّى تُضَيَّقَ الْأَرْضُ عَنْهُمْ فَيُبَيْعُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عَتَرَتِي فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، رَسُولُ أَكْرَمِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: در آخر الزمان به امتم از سوی حاکم و سلطان آنچنان بلا و گرفتاری سختی می‌رسد که زمین با همه فراخی که دارد بر آنان تنگ گردد. پس خداوند مردی از عترت من برانگیزد که زمین را پر از عدل و داد کند، چنانکه پر از ظلم و جور شده بود».



در حدیث دیگری از طریق احمد نقل شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله تعالی رجلا من اهل بیتی یملوها عدلا کما ملئت جورا؛

اگر از دنیا جز یک روز باقی نماند، خداوند از خاندان من مردی را برانگیزد که آن را پر از عدل و داد کند همچنانکه پر از جور و ستم شده باشد».

در کمال الدین از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) منقول است که فرمودند: به درستی که خلفا و اوصیای من و حجت‌های الهی بر خلق بعد از من دوازده نفرند، اولشان برادرم و آخرشان پسر من است. عرض شد: یا رسول الله برادرت کیست؟ فرمودند: علی بن ابی طالب. گفته شد: پسر ت کیست؟ فرمودند: همان مهدی که زمین را از قسط و عدل پر کند، همچنان که مالا مال از ستم و ظلم پر شده باشد. سوگند به حق که مرا بشارت‌دهنده فرستاد؛ اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند، هر آینه خداوند آن روز را آنقدر طولانی کند، تا در آن خروج نماید.

در حدیث دیگری پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: مهدی از فرزندان من است نام او نام من و کنیه او کنیه من است. شبیه‌ترین مردم از لحاظ خلق و خُلق به من است، او را غیبت و حیرتی است که در آن، امت‌ها گمراه می‌شوند، سپس او مانند ستاره‌ای درخشان خواهد آمد و زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد چنان که از ستم و ظلم پر شده باشد.

حکومت حضرت صاحب‌الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کامل‌ترین مصداق تجلی حیات طیبیه در دنیا است. از رسالت‌های تربیتی خانواده‌های مهدوی تربیت نسل مستعد و مهیا از نظر علمی و عملی برای یآوری و اجرای منویات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. خانه‌های نورانی به نور ولایت و امامت، کانون تربیت سربازان امام زمان (علیه السلام) و عهده‌دار پرورش دادن یاوران جان‌برکف برای حضرت هستند که تربیت دینی آنان بر اساس، قرآن و عشق پیامبر و آل پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در روایتی می‌فرمایند:

«فرزندانتان را بر سه پایه و خصلت تربیت کنید: محبت قرآن، محبت پیامبرتان و اهل بیت او.

برای انجام این رسالت بزرگ ما از سه الگو و روش استفاده می‌کنیم:



تربیت فرزند بر اساس اصول تربیتی کلی شرعی و عقلی؛ \* تربیت فرزند بر اساس توصیه‌های خاص اهل بیت؛ \*  
تربیت فرزندان بر اساس الگوی صفات یاوران حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) که این مورد در بخش بعد توضیح داده خواهد شد.

به‌وجود آمدن چنین جامعه‌ای و آمادگی مردم جامعه که متناسب با ظهور منجی باشد، ازجمله پرسش‌های مهم آن جامعه است. در عصر ظهور، ملت‌های جهان، زندگی معمولی را تجربه کرده و خلأهای آن و عدم پاسخ‌گویی به وجدان انسان و انسانیت و همچنین نبود آرامش حقیقی را لمس کرده‌اند. در چنین شرایطی که بر جامعه حکم فرما است انسان در پی برون‌شدن از آن است.

آگاهی کامل از جزئیات و دستاوردهای عصر ظهور برای کسی که پیش از ظهور زندگی می‌کند بسیار دشوار می‌نماید. تنها در پرتو روایات معصومین: و بر اساس استنباط علمای بزرگ از احادیث و قرآن می‌توان تا حدودی از این شاخصه‌ها و واقعیت‌ها پرده برداشت. ازجمله ویژگی‌های عصر ظهور، پدیدار گشتن رشد معرفتی و دانشی انسان است. البته این سخن به این معنا نیست که بشر پیش از ظهور، اندیشه، تعقل، تلاش و جست‌وجو برای دستیابی به حقیقت را نداشته است، بلکه منظور این است که بندها گسیخته و دیده‌ها گشوده خواهد شد. امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرمایند: هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خدایی‌اش را بر سر بندگان می‌نهد، از آن پس خردها و دانش‌های آنان به هم می‌پیوندند و کمال می‌یابد.

تربیت نسل یاوران مهدی، بر اساس الگوی صفات یاران حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است. در روایات اهل بیت: به مجموعه‌ای از خصلت‌ها و ویژگی‌های شخصیتی اصحاب‌المهدی پرداخته شده است. مطابق با آیات قرآن خداوند وعده داده است، کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند حکومت روی زمین را به آن‌ها بدهد. از تأویل‌های این آیه شریفه دولت حضرت صاحب‌الزمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ؛



خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آن‌ها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد کرد».

فرا ت بن ابراهیم کوفی نقل کرده است که از عبدالله به محمد (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود:

آیه «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ...»، برای ما اهل بیت نازل شده است.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی فرمودند: تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم ما قیام کند کسی که او را درک می‌کند، تأویل این آیه را می‌بیند، هرآینه دین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به هر جایی که شب برسد، می‌رسد (همه کره زمین)؛ به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان‌گونه که خداوند فرمود: «يَعْبُدُونِي ...»

با توجه به این آیه، اسلام، دین آینده‌ی جهان معرفی شده و آینده‌ی تاریخ به سود پرهیزگاران و شکست سلطه‌ی کافران است و دین اسلام، تنها دین مورد رضایت الهی است که امنیت واقعی، در سایه‌ی حکومت این دین به وجود می‌آید. با توجه به آنچه در گذشته گفته شد که شرط اساسی حیات طیبه ایمان و عمل صالح با کنار هم قرار دادن این دو آیه و نگاه به شرایط تحقق آن‌ها این نتیجه گرفته می‌شود که بهترین مصداق حیات طیبه در این دنیا حکومت عدل مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. حال که شروع حیات طیبه در دنیاست، پس نمایش سبک زندگی قرآنی از دنیا بوده و حتی از جزای نیکوی آخرت هم برخوردار است.

البته با نگاه به روایاتی که در مورد خصوصیات حکومت حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آمده است این معنا بیش‌تر به ذهن می‌رسد. در روایات از حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تعبیر به مدینه فاضله شده است و با توجه به مشخصات و ویژگی‌هایی که برای این مدینه فاضله بیان کرده‌اند، نزدیکی مدینه فاضله و حیات طیبه برای ما روشن‌تر می‌گردد.



در روایات برای یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ویژگی‌هایی بیان شده که اهم آن‌ها عبارتند از:

### **\* خداجویی**

خداجویی و توحیدگرایی سرلوحه عقاید و خصال یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. آنان خدا را به شایستگی شناخته و همه وجودشان غرق جلوه نور ایزدی است و ایمانی خالصانه در سینه دارند که شک و تردید با آنان بیگانه است. امام صادق (علیه السلام) درباره آنان می‌فرماید: مردانی که گویا دل‌هایشان پاره‌های آهن است، غبار تردید در ذات مقدس خدای، خاطرشان را نمی‌آلاید... و از ناخشنودی پروردگارشان هراس دارند.

### **\* عبادت و بندگی**

از ویژگی‌های مهم یاران امام زمان (علیه السلام) عبادت و بندگی است. عبادت از دیدگاه یاران امام، نوعی معامله و داد و ستد نیست، بلکه عبادت آنان، عالی‌ترین واکنش سپاسگزارانه انسان در برابر خدا و عبادت آزادگان است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: گویا، قائم و یارانش را در نجف اشرف می‌نگرم، توشه‌هایشان به پایان رسیده و لباس‌هایشان مندرس گشته است. جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است، آنان در حقیقت روح بندگی و راز و نیاز با جانشان در هم آمیخته و همواره خود را در محضر خدا می‌بینند.

### **\* شجاعت**

یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دلیرمردند و جنگاوران میدان‌های نبرد و دل‌های آنان چون پاره‌های آهن است. از انبوه دشمن هراس به دل راه نمی‌دهند. یاران مهدی قدرت چهل مرد را دارند آنان شیران میدان رزمند و جان‌هایشان از سنگ محکم‌تر است.

### **\* فرمانبرداری**

ویژگی دیگر یاران امام زمان (علیه السلام) اطاعت و فرمانبری از مولا و مقتدایشان است. آنان عاشقان مولای خود و فرمانبرترین انسان‌ها هستند. امام حسن عسکری (علیه السلام) در آخرین روزهای عمر خویش، از یاران مخلص مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یاد کرده و فرمودند: قومی به آستانه‌ات گرد آیند که خداوند آنان را از سرشتی



پاکیزه و گرانبها آفریده است. به فرمان‌های دینی فروتن‌اند و سیمایشان به نور فضل و کمال آراسته، آیین حق را می‌پرستند و از حق پیروی می‌کنند.

### \*عدالت

از ویژگی‌های یاران امام زمان (علیه‌السلام) عدالت است. عدالت که در رعایت حقوق دیگران و پرهیز از هرگونه ستم ظهور می‌کند، زینت یاران مهدی (علیه‌السلام) است. از شاخصه‌های مهم حکومت جهانی عدالت است، کارگزاران و سربازان او نیز باید عدالت‌گرا باشند.

شمارش این صفات در روایات و گاه قرآن به معنای حرکت در مسیر تربیت چنین نسلی و الگو قرار دادن این شیوه است، قرآن شش صفت برای یاوران حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) بر می‌شمارد:

«يا أيها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه أذلّة على المؤمنين أعزّة على الكافرين يجاهدون في سبيل و لا يخافون لومة لائم...»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما که از دین خود بازگردد، باکی نیست پس به زودی خداوند قومی را می‌آورد که: ۱. خدا ایشان را دوست دارد؛ ۲. آنان نیز خدا را دوست می‌دارند؛ ۳. در مقابل پرهیزگاران فروتن هستند؛ ۴. در مقابل کافرین سرسختند؛ ۵. در راه خدا جهاد می‌کنند؛ ۶. از ملامت هیچ ملامتگری نمی‌هراسند».

ازجمله مصادیق این روایت یاران حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) هستند.

با توجه به ضرورت سبک‌گزینی و احیای اصول زندگی، تبیین سلوک مهدوی نیز از دیگر مباحثی است که جهت معاصرسازی اسوه‌های اسلامی مطرح و بیان گردیده است. از یک‌سو دچار شدن به روزمرگی و از سویی تقلید کورکورانه سبک زندگی غربی که هیچ تناسبی با سبک زندگی اسلامی ندارد؛ لزوم پیاده‌سازی سبک زندگی اسلامی را دو چندان می‌کند. سبک زندگی‌ای که باید هرچه بیش‌تر ما را به جامعه مهدویت نزدیک کند.

در قرآن، سبک زندگی ویژه برای انسان‌ها با عنوان «حیات طیبه» یاد شده است. از آن‌جا که حیات حقیقی از آن خداوند متعال بوده و حیات و کمال بشر در راستای خداوند است، به‌همین دلیل جهان خلقت که مظهری از رحمت خداوند است به‌عنوان مسیری است که از طریق آن هر موجودی به کمال خویش می‌رسد که همان مقام قرب و مقام



خلیفه‌اللهی است. خداوند انسان را به حیات طیبه رهنمون کرده که آن حیات بر اصل ایمان و عمل صالح استوار و آثارش در بهبود روابط خانواده و اجتماع اثر می‌گذارد. توجه انسان‌ها به ایمانی که در قلب بسته شده و در عمل بروز دارد به سالم‌سازی اجتماع کمک می‌کند. از این‌رو، افراد مختلف، این نوع حیات را مقصد خویش قرار داده و براساس ظرفیت و استعداد خویش به سمت آن تلاش‌های مختلفی انجام می‌دهند. ظهور حیات طیبه در دوران قیام حضرت مهدی (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در سایه معرفت حجت خدا تحقق پذیرفته و سبک زندگی و تربیت نسل متناسب با عصر ظهور، بر اساس الگو قرار دادن صفات یاران حضرت در زندگی فردی و اجتماعی محقق خواهد شد. از رسالت‌های مهم تربیتی خانواده‌های مهدوی در عصر غیبت، تربیت نسل مستعد برای یآوری و اجرای منویات امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است. توجه به حیات طیبه و پایداری در ایمان و عمل صالح جامعه را در مسیر تلاش برای ظهور منجی آماده می‌کند. زندگی دنیا پلی برای رسیدن به حیات طیبه است. مطابق آیات و روایات متعدد، حیات طیبه در همین دنیا محقق می‌شود. حال که شروع حیات طیبه در دنیاست، پس نمایش سبک زندگی قرآنی از دنیا بوده و حتی از جزای نیکوی آخرت هم برخوردار است.

### ❏ آیات و روایات مبتنی بر سبک زندگی

می‌توان نتیجه گرفت، قرآن سراسر تلاش می‌کند تا سبک زندگی و به عبارت دیگر حیات طیبه را برای انسان به تصویر بکشد تا او را در مسیر تکامل معنوی که قرب الهی است، هدایت کند. در ادامه به برخی آیات و پیام‌های آنها اشاره می‌کنیم.



### باور به وجود خدا

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا اللَّهَ عَالِيَكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ (فاطر، ۳)  
ای مردم! نعمت‌هایی را که خداوند به شما عطا کرده یاد کنید، آیا جز خداوند، آفریدگاری است که از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟ جز او معبودی نیست. پس چگونه از حق به سویی باطل بازگردانده می‌شوید.

پیام‌ها:

- ۱- همه را به اندیشه در نعمت‌های الهی دعوت کنیم. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ»
- ۲- بهترین راه شناخت خداوند، توجه به نعمت‌های اوست. «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ»
- ۳- سؤال، کلید بیدار کردن و هشدار دادن است. هَلْ مِنْ خَالِقٍ ...
- ۴- هم آغاز و پیدایش هستی از اوست و هم بقا و تداوم آن. «خَالِقٍ - يَرْزُقُكُمْ»
- ۵- رازق اوست، ولی از طریق اسباب طبیعی رزق می‌دهد. «يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ»
- ۶- قبل از هشدار، توبیخ معنا ندارد. هَلْ مِنْ خَالِقٍ ... فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ
- ۷- هر راهی غیر توحید، بی‌راهه است. «فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ»
- ۸- مبدا رزق خدا را بخوریم و به غیر او رو کنیم. «يَرْزُقُكُمْ ... فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ»
- ۹- فطرت انسان خداگر است، عوامل بیرونی، اسباب انحراف او می‌شود. «تُؤْفَكُونَ»



### باور به علم آگاهی خدا بر اعمال

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ . إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ . مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (ق، ۱۶ - ۱۸)

و همانا ما انسان را آفریده‌ایم و هرچه را که نفسش او را وسوسه می‌کند می‌دانیم و ما از شریان و رگ گردن به او نزدیک‌تریم (و بر او مسلطیم). (یاد کن) آنگاه که دو فرشته (ملازم انسان) از راست و چپ، (به مراقبت) نشسته (اعمال آدمی را) دریافت می‌کنند. (انسان) هیچ سخنی به زبان نمی‌آورد، مگر آنکه در کنارش (فرشته‌ای) نگهبان حاضر و آماده (ثبت) است.

نکته‌ها:

- «وسوسه» در لغت به معنای صدای آهسته و در اصطلاح، کنایه از افکار ناپسندی است که بر فکر و دل انسان می‌گذرد.
- «ورید» از ریشه «ورود» به معنای رفتن به سراغ آب است. به شاهرگ که شاهرگ گردش خون میان قلب و اعضای بدن است، «ورید» گفته‌اند.
- تعبیر «قَعِيدٌ» کنایه از آن است که دو فرشته همواره با انسانند و در کمین او نشسته‌اند، نه آنکه دو فرشته در سمت راست و چپ انسان نشسته باشند.
- «رَقِيبٌ» به معنای مراقب و ناظر، «عَتِيدٌ» یعنی آماده به خدمت، «سَكْرَةٌ» حالتی که هوش و عقل از انسان زایل شود و «نَحِيذٌ» عدول و فرار کردن است.
- وحشت و اضطراب انسان در هنگام مرگ به قدری است که قرآن از آن به «سكرة الموت» تعبیر نموده است، چنانکه در قیامت نیز، هول دادگاه الهی، انسان را دچار چنان حالتی می‌سازد که به تعبیر قرآن: «تَرَى النَّاسَ سُكَارَى» مردم را همچون افراد مست، عقل پریده و بی اراده می‌بینی.
- در میان اعضای بدن، زیر نظر بودن زبان بیان شد، شاید چون عمل زبان، از همه‌ی اعضا بیشتر، آسان‌تر، عمومی‌تر، عمیق‌تر، دائمی‌تر و پر حادثه‌تر است.



□ برای ارشاد منحرفان، این آیات، وجدان و عقل مردم را مخاطب قرار داده که مگر ما در آفرینش اول عاجز شدیم تا از آفرینش دوم بازمانیم.

□ مشابه جمله‌ی «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»، این آیه است: «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود.

□ سرچشمه‌ی وسوسه، سه چیز است:

الف) نفس و خواهش‌های نفسانی. «تَوَسَّسَ بِهِ نَفْسُهُ»

ب) شیطان. «فَوَسَّسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ»

ج) بعضی انسان‌ها و جنیان. «الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ»

□ علم خداوند به امور ما به دو علت است:

الف) آفریدگار ماست و خالق، مخلوق خود را می‌شناسد: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسَّسُ بِهِ نَفْسُهُ»

ب) بر ما احاطه دارد. «نَعْلَمُ ... وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»

لذا علم خدا دقیق، گسترده و بی واسطه است.

□ ریشه‌ی شک در معاد دو چیز است:

الف) خدا از کجا می‌داند هر کس چه کرده و ذرات او در کجاست؟

ب) از کجا می‌تواند دوباره بیافریند؟

این آیه به هر دو جواب می‌دهد:

او می‌تواند، چون قبلاً انسان را آفریده است. «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ»

او می‌داند، چون وسوسه‌های نادیدنی را هم می‌داند. «نَعْلَمُ مَا تُوَسَّسُ بِهِ نَفْسُهُ»

□ توجه به زیر نظر بودن انسان و ثبت کلیه اعمال او و توجه به لحظه مرگ و

حضور در قیامت، هشداری بزرگ و زمینه ساز تقوای الهی است.

□ توجه به تعدد ناظران و شاهدان، در نحوه‌ی عملکرد انسان مؤثر است و هر

چه شاهد و ناظر بیشتر باشد، انگیزه برای کار نیک و دوری از گناه بیشتر

می‌شود. «عَنِ الْيَمِينِ ... عَنِ الشَّمَالِ ... رَقِيبٌ عَتِيدٌ»



پیام‌ها:

- ۱- اگر می‌خواهید عقیده‌ای سالم داشته باشید باید وسوسه‌ها را از خود دور کرده و نفس خود را اصلاح کنید. (انکار قیامت (در آیه قبل) به خاطر آن است که خود را از وسوسه‌ها پاک نکرده‌اید.) «وَنَعْلَمُ مَا تُؤْسِسُ بِهِ نَفْسُهُ»
- ۲- علم و احاطه‌ی خداوند به بشر، در طول حیات اوست. «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»
- ۳- با این که خداوند متعال، خود شاهد هر اعمال و افکار انسان است، اما تشکیلات الهی حساب و کتاب دارد و فرشتگانی دائماً مشغول ثبت اعمال هستند. «إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ»
- ۴- میان فرشتگان، تقسیم کار وجود دارد. (بر اساس روایات، فرشته یمین کارهای خیر را می‌نویسد و فرشته شمال، کارهای بد و شر را.)<sup>(۱)</sup> «الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشَّمَالِ قَعِيدٌ»
- ۵- انسان، نه فقط در برابر کردار، بلکه در برابر گفتار خود مسئول است و مورد محاسبه قرار می‌گیرد. «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ»
- ۶- نظارتی دارای اعتبار و ارزش است که همه چیز را به طور کامل زیر نظر داشته باشد. «عَنِ الْيَمِينِ ... عَنِ الشَّمَالِ ... رَقِيبٌ عَتِيدٌ»

باور به مهرورزی

وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءاً بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انعام، ۵۴)

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، پس بگو: سلام بر شما! پروردگارتان بر خودش رحمت را مقرر کرده است که هر کس از شما از روی نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید، پس قطعاً خداوند، آمرزنده و مهربان است.



نکته‌ها:

- در شأن نزول آیه آمده است، جمعی گنهکار، خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمده و گفتند: ما خلاف‌های زیادی کرده‌ایم. حضرت ساکت شد. این آیه نازل شد.
- در قرآن خداوند دو جا رحمت را بر خود لازم کرده است:
- یکی برای دلگرم کردن مؤمنان در دنیا: «كَتَبَ رَبِّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»<sup>۱</sup>
- و دیگری در آخرت: «كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمعَكُمْ»<sup>۲</sup>
- در حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «جهالة» جهل به زشتی باطن گناه است که شامل همه گناهکاران می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- زیارت پیامبر، راه دریافت لطف خداست. «جَاءَكَ... فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ» البته ایمان زائر پیامبر، از شرایط دریافت لطف است. «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا»
- ۲- رابطه رهبر و مردم، بر پایه انس و محبت است. «إِذَا جَاءَكَ... فَقُلْ سَلَامٌ...»
- ۳- بهترین عبارت تحیت، «سلام علیکم» است. «فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»
- ۴- تحقیر شدن مؤمنان را جبران کنید. (در برابر تحقیر شدن مؤمنان) (در آیه قبل) خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد به مؤمنان سلام کند. «فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»
- ۵- «سلام»، شعار اسلام است و بزرگی و کوچکی ندارد. «فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»
- ۶- مربی و مبلغ، باید با برخوردی محبت‌آمیز با مردم، به آنان شخصیت دهد. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»
- ۷- اگر گناه از روی لجاجت و استکبار نباشد، توبه قابل پذیرش است. «مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ»
- ۸- خداوند، رحمت را بر خویش واجب کرده؛ «كَتَبَ...» ولی شرط دریافت آن، ایمان «عَمِلَ مِنْكُمْ» و عذرخواهی و توبه است. «ثُمَّ تَابَ وَاصْلَحَ»
- ۹- توبه، تنها یک لفظ نیست، تصمیم و اصلاح هم می‌خواهد. «تَابَ وَاصْلَحَ»
- ۱۰- عفو الهی همراه با رحمت است. «عَفُورٌ رَحِيمٌ» (گناهکار نباید مأیوس شود)



### باور به انتقام خدا از ظالمان

قُلَّا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

مپندارید که خداوند وعده‌ای را که به پیامبرانش داده است تخلف می‌کند، قطعاً خداوند شکست‌ناپذیر و صاحب انتقام است. (ابراهیم، ۴۷)

نکته‌ها:

□ انتقام گرفتن انسان همراه با کینه و تشفی دل است، ولی انتقام الهی بر اساس عدل و حکمت و تأدیب است.

پیام‌ها:

- ۱- باید در لحظه‌های خطر و لغزش، هشدارهای لازم داده شود. «قُلَّا تَحْسَبَنَّ»
- ۲- تأخیر در امدادهای الهی، سبب تردید شما نشود. «قُلَّا تَحْسَبَنَّ»
- ۳- گرچه انسان عقل و فطرت دارد و مشورت هم می‌کند، اما اگر وحی نباشد در فهم و برداشت گرفتار انحراف می‌شود. «قُلَّا تَحْسَبَنَّ»
- ۴- مهلتی که خداوند به کفار و ستمگران می‌دهد، بر اساس یک سنت و حکمت است نه از روی غفلت و تخلف از وعده‌ها «قُلَّا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفًا وَعْدِهِ»
- ۵- خدایی که قدرت دارد چرا تخلف کند؟ «إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ»

### باور به قدرت خدا و توکل بر او

... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق، ۳)

و هر کس بر خدا توکل کند، او برایش کافی است. همانا خداوند کار خود را محقق می‌سازد. همانا خداوند برای هر چیز اندازه‌ای قرار داده است.

پیام‌ها:

- ۱- برای تأمین زندگی امروز، تقوا: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ ... يَرْزُقْهُ» و برای آینده، توکل لازم است. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»



- ۲- بدون لطف خداوند، هیچ عامل دیگری کارآمد و کافی نیست. «فَهُوَ حَسْبُهُ»
- ۳- در اراده و خواست تمام افراد و حکومت‌ها، احتمال شکست و ناکارآمدی و بن بست وجود دارد. تنها امری که شکست در آن راه ندارد، خواست و اراده خداوند است. «إِنَّ اللَّهَ بِالْغِ أَمْرِهِ»
- ۴- دلیل توکل ما، قدرت بی‌نهایت الهی است. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ... إِنَّ اللَّهَ بِالْغِ أَمْرِهِ»
- ۵- معنای توکل و قدرت خداوند آن نیست که انسان به همه خواسته‌های خود می‌رسد، زیرا تمام امور هستی قانونمند است و حساب و کتاب دارد. «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالْغِ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»

قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ يَبْدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (ال عمران، ۲۶)

بگو: خداوند! تو صاحب فرمان و سلطنتی. به هر کس (طبق مصلحت و حکمت خود) بخوای حکومت می‌دهی و از هر کس بخوای حکومت را می‌گیری و هر که را بخوای عزت می‌بخشی و هر که را بخوای ذلیل می‌نمایی، همه خیرها تنها به دست توست. همانا تو بر هر چیز توانایی.

نکته‌ها:

- گروهی از مفسران، نزول آیه را در موقع حفر خندق دانسته‌اند. آن زمان که پیامبر ﷺ کلنگ را بر سنگ زد و از آن جرقه‌ای برخاست، فرمود: من در این جرقه‌ها فتح کاخ‌های مدائن و یمن را از جبرئیل دریافت کردم. منافقان با شنیدن این سخن، لبخند تمسخر می‌زدند که این آیه نازل شد.
- عزت و ذلت از جانب خدا، طبق قوانین و سنت اوست و بدون جهت و دلیل خداوند کسی را عزیز یا ذلیل نمی‌سازد. در روایات می‌خوانیم: هر کس برای خدا تواضع و فروتنی کند، خداوند او را عزیز می‌کند و هر کس تکبر نماید، خدا او را ذلیل می‌گرداند.<sup>۳</sup>



□ قرآن از کسانی که از غیر خدا عزّت می‌خواهند به شدّت انتقاد کرده و می‌فرماید: «أَيُّتَنُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً» بنابراین عزّت و ذلّت از خداست، ولی ایجاد زمینه‌های آن به دست خودماست.

پیام‌ها:

۱- مالک واقعی تمامی حکومت‌ها خداست. مُلک برای غیر خدا، موقّتی و محدود است. «مَالِكِ الْمُلْكِ» اکنون که مالک اوست پس دیگران امانتداری بیش نیستند و باید طبق رضای مالک اصلی عمل کنند.

۲- اگر انسان مالک مُلک نیست چرا با داشتن آن مغرور و با از دست دادنش مأیوس شود! «مَالِكِ الْمُلْكِ»

۳- خداوند به هر کس که شایسته و لایق باشد، حکومت می‌دهد. همان گونه که به سلیمان، یوسف، طالوت و ذوالقرنین عطا نمود. «تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ»

۴- حکومت و حاکمیت، دلبستگی‌آور است. «تَنْزِعُ الْمُلْكَ» «نزع» به معنای کندن است و نشانه یک نوع دلبستگی است.

۵- عزّت و ذلّت به دست خداست، از دیگران توقّع عزّت نداشته باشیم. «تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ»

۶- توحید در دعا و عبادت یک ضرورت است. «بِيَدِكَ الْخَيْرُ» در مناجات شعبانیه می‌خوانیم: «الهی بیدک لا بید غیرک زیادتى و نقصى».

۷- آنچه از اوست، چه دادن‌ها و گرفتن‌ها، همه خیر است، گرچه در قضاوت‌های عجولانه‌ی ما فلسفه‌ی آن را ندانیم. «بِيَدِكَ الْخَيْرُ»

۸- سرچشمه‌ی بدی‌ها عجز و ناتوانی است. از کسی که بر هر کاری قدرت دارد چیزی جز خیر سر نمی‌زند. «بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»



## باور به یاری و نصرت خدا

### باور به یاری و نصرت خداوند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد. (محمد، ۷)

نکته‌ها:

□ انسان، موجودی محدود است و نصرت و یاری او از راه خدا نیز محدود؛ ولی خداوند بی‌نهایت و نصرت او برخاسته از قدرت نامحدود است.

□ خداوند چند چیز را در گرو چند چیز بر خود لازم کرده است:

- توجه و یادکردش را در گرو یادکرد انسان. «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ»

- نصرت و یاریش را در گرو یاری انسان. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»

- برکت و ازدیاد را در گرو سپاسگزاری انسان. «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»

- وفای به عهدش را در گرو وفاداری انسان. «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»

□ حضرت علی (ع) می‌فرماید: خداوند از روی خواری و ناچاری از شما یاری نمی‌خواهد... او از شما یاری خواسته در حالی که خود عزیز و حکیم است و سپاهیان آسمان‌ها و زمین به فرمان او هستند. نصرت خواهی و استقراض الهی برای آن است که شما را بیازماید و بهترین عامل به نیکی‌ها را مشخص سازد.<sup>۴</sup>

پیام‌ها:

۱- لازمه ایمان، اقدام عملی در جهت نشر و گسترش دین الهی (با فکر، زبان و عمل) است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ...» (جهاد یکی از مصادیق است)

۲- دریافت الطاف الهی، بستگی به تلاش ما دارد. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (انتظار نصرت خداوند بدون تلاش و کوشش، توقعی نابجاست.)

۳- در میان امدادهای الهی، ثابت قدم بودن، برجسته‌ترین آنهاست. (بعد از نصرت الهی نام پایداری آمده است.) «يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

۴- پاداش‌های الهی بیش از عملکرد ما است. «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ...»



وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ۵۵)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین قرار دهد، همان گونه که کسانی پیش از ایشان را جانشین کرد، و قطعاً دینی را که خداوند برای آنان پسندیده است، برای آنان استقرار و اقتدار بخشد و از پی ترسشان امنیت را جایگزین کند، تا (تنها) مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند، و هر کس بعد از این، کفر ورزد پس آنان همان فاسقانند.

نکته‌ها:

□ در روایات بسیاری از امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام می‌خوانیم: مصداق کامل این آیه، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه‌السلام است.

□ در قرآن، بارها به حکومت نهایی صالحان تصریح شده است، از جمله:

سه مرتبه فرمود: «لَيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» اسلام بر همه ادیان پیروز خواهد شد.

در جای دیگری فرمود: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد.

و در جای دیگر می‌خوانیم: «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى» یا «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»

□ مراد از جانشینی مؤمنان یا جانشینی خداوند در زمین است یا جایگزینی از اقوام پیشین.

□ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آخرین حج خود در مسیر برگشت از مکه (روز هجدهم ذی‌الحجه) در غدیر خم به فرمان خداوند، حضرت علی علیه‌السلام را جانشین خود قرار داد، آیه نازل شد: امروز من اسلام را به عنوان دین کامل برای شما پسندیدم: «رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»، در این آیه نیز وعده‌ی خداوند پیروزی آن دینی است که پسندیده است: «دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ».



## الگو شناسی

### الگو بودن پیامبران

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ  
مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (ممتحنه، ۶)

همانا برای شما در (روش) آنان، (ابراهیم و یارانش) سرمشق خوبی است برای  
کسی که به خدا و روز واپسین امید دارد و هر کس روی برتابد، خداوند بی  
نیاز و ستوده است.

نکته‌ها:

□ در این آیه و آیه قبل سخن از الگو بودن پیامبران است و داشتن امید به خدا  
و روز قیامت، شرط الگو پذیری معرفی شده است. «لِمَن كَانَ يَرْجُوا...»  
پیام‌ها:

- ۱- الگوهای الهی تاریخ مصرف ندارند. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»
- ۲- نه فقط پیامبران، بلکه یاران صادق آنها نیز برای ما الگو هستند. «فِيهِمْ»
- ۳- عقاید صحیح، زیر بنای الگوپذیری در رفتار و اخلاق است. «أُسْوَةٌ لِّمَن كَانَ  
يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ» (آری کسانی از الگوهای صحیح بهره‌مند می‌شوند که  
نور امید در دلشان روشن باشد. «يَرْجُوا» و کسانی پشت می‌کنند که افراد  
مأیوس و به اصطلاح بریده هستند. «يَتَوَلَّ»)
- ۴- ایمانی ارزش دارد که ثابت باشد. «كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ...» (ترکیب «كَانَ» با فعل  
مضارع، نشان استمرار و ثبات است).
- ۵- اعراض مردم از الگوهای الهی، به خداوند و اولیایش ضربه‌ای نمی‌زند. «وَ  
مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»



### الگو بودن پیامبر اکرم ﷺ

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَاليَوْمَ  
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب، ۲۱)

همانا برای شما در (سیره) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای  
کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.

نکته‌ها:

۱- «اُسْوَةٌ» در مورد تأسی و پیروی کردن از دیگران در کارهای خوب به کار  
می‌رود. در قرآن دوبار این کلمه درباره دو پیامبر عظیم الشان آمده است: یکی  
درباره حضرت ابراهیم ؑ و دیگری درباره پیامبر اسلام ﷺ. جالب آن که اسوه  
بودن حضرت ابراهیم در برائت از شرک و مشرکان است و اسوه بودن پیامبر  
اسلام در آیات مربوط به ایستادگی در برابر دشمن مطرح شده است.

۲- نقش پیامبر در جنگ احزاب، الگوی فرماندهان است: هدایت لشکر، امید  
دادن، خندق کشیدن، شعار حماسی دادن، به دشمن نزدیک بودن و استقامت  
نمودن. حضرت علی ؑ فرمود: در هنگامه نبرد، خود را در پناه پیامبر اکرم ﷺ  
قرار می‌دادیم و آن حضرت از همه‌ی ما به دشمن نزدیک‌تر بود.

این آیه در میان آیات جنگ احزاب است؛ اما الگو بودن پیامبر، اختصاص به  
مورد جنگ ندارد و پیامبر در همه‌ی زمینه‌ها، بهترین الگو برای مؤمنان است.

پیام‌ها:

- ۱- در الگو بودن پیامبر شک نکنید. «لَقَدْ»
- ۲- الگو بودن پیامبر، دائمی است. «كَانَ»
- ۳- گفتار، رفتار و سکوت معنادار پیامبر حجت است. «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ»
- ۴- معرفی الگو، یکی از شیوه‌های تربیت است. «لَكُمْ - أُسْوَةٌ»
- ۵- باید الگوی خوب معرفی کنیم، تا مردم به سراغ الگوهای بدلی نروند.  
«رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ»

۶- بهترین شیوه‌ی تبلیغ، دعوت عملی است. «اُسْوَةٌ»

۷- کسانی می‌توانند پیامبر اکرم را الگو قرار دهند که قلبشان سرشار از ایمان و  
یاد خدا باشد. «لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ...»

۸- الگوها هر چه عزیز باشند، اما نباید انسان خدا را فراموش کند. «رَسُولِ اللَّهِ  
اُسْوَةٌ... ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»



سوره‌های آل عمران، مائده و بقره، جهاد در ادیان گذشته را مطرح کرده است.  
پیام‌ها:

۱- ملاک خیر و شر، آسانی و سختی و یا تمایلات شخصی نیست، بلکه مصالح واقعی ملاک است و نباید به پیش‌داوری خود تکیه کنیم. «غَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ»

۲- کراهت و محبت نفسانی، نشانه‌ی خیر و شر واقعی نیست. «تَكْرَهُوا... وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ... تُحِبُّوا ... وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ»

۳- جنگ و جهاد، مایه خیر است. «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ ... وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ»

۴- تسلیم فرمان خدایی باشیم که بر اساس علم بی‌نهایت به ما دستور می‌دهد، گرچه ما دلیل آن را ندانیم. «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

## ۲. رشد مؤمنان

وَلْتَبْلَوْنَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ . الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ . أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْتَخِرُونَ (بقره، ۱۵۵-۱۵۷)

و قطعاً شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود محصولات، آزمایش می‌کنیم و صابران (در این حوادث و بلاها را) بشارت بده. (صابران) کسانی هستند که هرگاه مصیبتی به آنها رسد، می‌گویند: ما از آن خدا هستیم و به سوی او باز می‌گردیم. آنانند که برایشان از طرف پروردگارشان، درودها و رحمت‌هایی است و همانها هدایت یافتگانند.

نکته‌ها:

□ خداوند چندین عنایت به صابران نموده است از جمله:

۱. محبت. «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»



۲. نصرت. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»
  ۳. بهشت. «يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا»
  ۴. پاداش بی حساب. «إِنَّمَا يُوقَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»
  ۵. بشارت. «بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»
- شعار صابران «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» است. در حدیث می‌خوانیم: هرگاه با مصیبتی مواجه شدید، جمله‌ی «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را بگویید.<sup>۲۴</sup>
- کلمه «صلوات» از واژه‌ی «صلو» به معنی ورود در نعمت و رحمت است، بر خلاف واژه‌ی «صلی» که به معنای ورود در قهر و غضب است. مانند: «تَصْلِي نَاراً حَامِيَةً»
- خداوند بر مؤمنانی که در مشکلات، صبر و مقاومت کرده‌اند، خود درود و صلوات می‌فرستد؛ «صَلَّوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ» ولی درباره مؤمنان مرفه که زکات اموالشان را می‌پردازند، دستور می‌دهد پیامبر ﷺ درود بفرستد. «صَلِّ عَلَيْهِمْ» پیام‌ها:
- ۱- آزمایش و امتحان یک برنامه و سنت حتمی الهی است. «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ»
  - ۲- ناگواری‌ها، سبب مقاومت و رشد است. بسیاری از صفات انسان از قبیل صبر، رضا، تسلیم، قناعت، زهد، تقوا، حلم و ایثار، در سایه‌ی برخورد با تنگدستی‌ها است. «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»
  - ۳- مورد بشارت، در آیه بیان نشده است به خاطر همین شامل انواع بشارت‌های الهی می‌باشد. «بَشِّرِ الصَّابِرِينَ»
  - ۴- ریشه‌ی صبر، ایمان به خداوند، معاد و امید به دریافت پاداش است. «الصَّابِرِينَ الَّذِينَ ... قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»
  - ۵- خداوند، صابران را غرق در رحمت خاص خود می‌کند. «عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ»
  - ۶- تشویق صابران از طرف خداوند، به ما می‌آموزد که باید ایثارگران و صابران



و مجاهدان، در جامعه از کرامت و احترام خاصی برخوردار باشند. «عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ...»

۷- تشویق، از شئون ربوبیت و لازمه تربیت است. «صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ»  
۸- هدایت صابران، قطعی و مسلم است. با آنکه در قرآن، هدایت یافتن بسیاری از انسان‌ها، تنها یک آرزو است؛ «الْعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ» ولی در مورد صابران، هدایت آنان قطعی تلقی شده است. «أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»  
۹- هدایت، مراحل دارد. با اینکه گویندگان «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» مؤمنان و هدایت‌شدگان هستند، ولی مرحله بالاتر را بعد از صبر و دریافت صلوات و رحمت الهی کسب می‌کنند. «أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ»

### ۳. بروز استعدادها

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا. إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (شرح، ۵ و ۶)

پس (بدان که) با هر سختی آسانی است. آری، با هر دشواری آسانی است.

نکته‌ها:

- عُسْرها سبب یُسْر است. کلمه «مع» ممکن است به معنای سبب باشد، یعنی هر سختی در درون خود تجربه‌ها و سازندگی‌هایی دارد. «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»
- حذف حرف فاء در جمله دوم «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا، إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» بیانگر آن است که این اصل عمومی است و مخصوص پیامبر نیست.
- زنی از ندادن نفقه شوهر فقیرش، نزد حضرت علی (ع) شکایت کرد. حضرت مرد را زندانی نکرد و فرمود: «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»
- صابران، به جای خودباختگی و پناهندگی به دیگران، تنها به خدا پناه می‌برند. زیرا از دید آنها، تمام جهان کلاس درس و میدان آزمایش است که باید در آن رشد کنیم. دنیا جای ماندن نیست، خوابگاه و عشرتکده نیست و شاید و سختی‌های آن نیز نشانه‌ی بی‌مهری خداوند نیست. ناگواری‌ها برای آن است



که زیر پای ما داغ شود تا تندتر و سریعتر حرکت کنیم، بنابراین در تلخی‌ها نیز شیرینی است. زیرا شکوفا شدن استعدادها، کامیابی از پاداش‌های الهی را بدنبال دارد.

مصیبت‌هایی که از طرف اوست، تصرف مالک حقیقی و خداوند در مملوک خود است. اگر انسان بداند که خداوند حکیم و رحیم است و او نیز بنده‌ای بوده که قبلاً هیچ نبوده؛ «لَمْ يَكُ شَيْئاً» و حتی بعد از مراحل هم چیز قابل ذکر نبوده است؛ «لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً» خواهد پذیرفت که من باید در اختیار او باشم. او مرا از جماد به نبات، و از نبات به حیوان و از مرتبه‌ی حیوانیت به انسانیت سوق داده و این حوادث را برای رشد و ارتقای من قرار داده است. همانگونه که ما دانه‌ی گندم را زیر فشار، آرد می‌کنیم و بعد نیز در آتش تنور، تبدیل به نان می‌کنیم تا مراحل وجودی او را بالا ببریم.

□ مردم در برابر مشکلات و مصایب چند دسته‌اند:

الف) گروهی جیغ و داد می‌کنند. «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً»

ب) گروهی بردبار و صبور هستند. «وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»

ج) گروهی علاوه بر صبر، شکر گزارند. «اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم»

این برخوردها، نشانه معرفت هر کس نسبت به فلسفه مصایب و سختی‌هاست. همان گونه که کودک، از خوردن پیاز تند، بی‌تابی می‌کند و نوجوان تحمل می‌کند، ولی بزرگسال پول می‌دهد تا پیاز خریده و بخورد.  
پیام‌ها:

۱- سنت و برنامه الهی آن است که بدنبال هر سختی، آسانی است. «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً» (در جای دیگر قرآن می‌خوانیم: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْراً» سختی‌ها و مشکلات زوال‌پذیرند و به آسانی تبدیل می‌شوند).  
صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند بر اثر صبر نوبت ظفر آید



#### ۴. جزای اعمال بندگان

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ  
و آنچه از مصیبت به شما رسد پس به خاطر دست آورد خودتان است و  
او از بسیاری (گناهانتان) در می‌گذرد. (شوری، ۳۰)

نکته‌ها:

سؤال: اگر مصیبت‌ها به خاطر عملکرد خود ماست، پس مصائب اولیای خداوند چه توجیهی دارد؟

پاسخ: برنامه‌ها و سنت‌های الهی متعدد است، یکی از سنت‌ها چشاندن مزه تلخ عملکرد به انسان گناهکار است که در این آیه آمده است ولی یکی دیگر از سنت‌های الهی رشد مردم در لابلای حوادث و آزمایش‌های پی در پی است. لذا حوادث تلخ که برای معصومین رخ می‌دهد برای رشد معنوی و دریافت درجه و الگو بودن آنان برای دیگران است. در حدیث می‌خوانیم: «البلاء للظالم ادب و للمؤمن امتحان و للاولياء درجه»<sup>۲۰</sup> حوادث تلخ برای ظالم وسیله ادب و برای مؤمن وسیله آزمایش و برای اولیای الهی وسیله قرب بیشتر است.

مشابه این آیه، آیه چهل و یکم سوره روم است که می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» به خاطر عملکرد مردم، در دریا و خشکی فساد پدید آمد که گوشه‌ای از عملکردشان را بچشند.

پیام‌ها:

۱- میان رفتار انسان و حوادث تلخ و شیرین زندگی رابطه است. «مَا أَصَابَكُمْ ... فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»

۲- مشکلات انسان، تنها عکس‌العمل بخشی از خلاف‌های اوست، نه تمام آن. زیرا خداوند از بسیاری خطاهای انسان در می‌گذرد. «وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ»



۳- مصیبت‌ها جنبه هشدار دارد و اگر انتقامی بود، عفو در کار نبود. «و یَعْفُوا عَنْ کَثِيرٍ»

#### ۵. تضرع و زاری و یاد خدا

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبُأْسِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ  
يَتَضَرَّعُونَ (انعام، ۴۲)

و همانا به سویی امت‌های پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم، (و چون سربلندی کردند) آنان را به تنگدستی و بیماری گرفتار کردیم. باشد که تضرع کنند.

نکته‌ها:

□ «بُأْس» به معنای جنگ، فقر، قحطی، سیل، زلزله و امراض مُسری است و «ضراء» به معنای غم، غصه، آبروریزی، جهل و ورشکستگی.

□ حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر هنگام ناگواری‌ها مردم صادقانه به درگاه خدا ناله کنند، مورد لطف او قرار می‌گیرند.<sup>۳۶</sup> مولوی در ترسیم این حقیقت می‌گوید:

پیش حق یک ناله از روی نیاز      به که عمری در سجود و در نماز  
زور را بگذار و زاری را بگیر      رحم سوی زاری آید ای فقیر

پیام‌ها:

۱- در تربیت و ارشاد، گاهی فشار و سخت‌گیری هم لازم است. «فَأَخَذْنَاهُم بِالْبُأْسِ وَالضَّرَّاءِ»

۲- مشکلات، راهی برای بیداری فطرت و توجه به خداوند است. «يَتَضَرَّعُونَ»

۳- هر رفاهی لطف نیست و هر رنجی قهر نیست. «لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ»



## اهمیت دعا

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ  
فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (بقره، ۱۸۶)

و هرگاه بندگانم از تو درباره من پرسند (بگو): همانا من نزدیکم: دعای نیایشگر را آنگاه که مرا می‌خواند پاسخ می‌گویم. پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند، باشد که به رشد رسند.

نکته‌ها:

□ دعا کننده، آنچنان مورد محبت پروردگار قرار دارد که در این آیه، هفت مرتبه خداوند تعبیر خودم را برای لطف به او بکار برده است. این ارتباط محبت‌آمیز در صورتی است که انسان بخواهد با خداوند مناجات کند.

□ سؤال: چرا گاهی دعای ما مستجاب نمی‌شود؟

پاسخ: عدم استجاب دعای ما به خاطر شرک یا جهل ماست. در تفسیر المیزان می‌خوانیم که خداوند در این آیه می‌فرماید: «أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» خودم اجابت می‌کنم دعا کننده‌ای را که فقط مرا بخواند و با اخلاص تمام، از من طلب خیر کند. پس اگر دعا مستجاب نشد، یا به جهت آن است که ما از خداوند خیر نخواسته‌ایم، و در واقع برای ما شر بوده و یا اگر واقعاً خیر بوده، خالصانه و صادقانه از خداوند درخواست نکرده‌ایم و همراه با استمداد از غیر بوده است. و یا اینکه استجاب درخواست ما، به مصلحت ما نباشد که به فرموده روایات، در این صورت به جای آن بلایی از ما دور می‌شود و یا برای آینده ما یا نسل ما ذخیره می‌شود و یا در آخرت جبران می‌گردد.

□ در حدیث می‌خوانیم: کسی که غذای حرام بخورد، یا امر به معروف و نهی از منکر نکند و یا از سر غفلت و بی‌اعتنائی دعا کند، دعایش مستجاب نمی‌گردد.

□ معنای دعا، ترک کسب و کار نیست، بلکه توکل به خداوند همراه با تلاش است. لذا در حدیث می‌خوانیم: دعای بیکار مستجاب نمی‌شود.



□ دعا و گفتگو با خداوند، ظرفیت انسان را برای دریافت الطاف الهی بیشتر می‌کند. همانگونه که توسل و زیارت اولیای خدا، شرایط انسان را عوض می‌کند. چنانکه اگر کودکی همراه پدر به مهمانی رود، دریافت محبتش بیش از آن خواهد بود که تنها برود. بنابراین دعا، زیارت و توسل، سبب تغییر شرایط است، نه برهم زدن سنت‌های قطعی الهی.

پیام‌ها:

- ۱- دعا در هر جا و در هر وقت که باشد، مفید است. چون خداوند می‌فرماید: من نزدیک هستم. «إِنِّي قَرِيبٌ» آنچه از اوقات مخصوصه، یا اماکن مقدسه برای دعا مطرح شده برای فضیلت است.
- ۲- خداوند به ما نزدیک است، ولی ما چگونه؟ اگر گاهی قهر او دامن ما را می‌گیرد، به خاطر دوری ما از خداست که در اثر گناهان می‌باشد. «إِنِّي قَرِيبٌ»
- ۳- استجاب خداوند دائمی است، نه موسمی. «اجیب» نشانه‌ی دوام است.
- ۴- با آنکه خدا همه چیز را می‌داند، اما دعا کردن وظیفه است. «فَلْيَسْتَجِیْبُوا لِي»
- ۵- دعا آنگاه به اجابت می‌رسد که همراه با ایمان باشد. «وَلْيُؤْمِنُوا بِي»
- ۶- دعا، وسیله‌ی رشد و هدایت است. «لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»



## معادباوری

### شناخت دنیا و آخرت

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ (عنکبوت، ۶۴)

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازیچه نیست و اگر بدانند، زندگی حقیقی، همان سرای آخرت است.

نکته‌ها:

□ «لَهْوٌ» سرگرمی‌هایی است که انسان را از هدف اصلی و مسائل اساسی بازمی‌دارد؛ «لَعِبٌ» انجام کاری مثل بازی است که قصدی در آن نیست.  
□ «هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا» رمز تحقیر دنیا است، همان‌گونه که «لَهِیَ الْحَيَوَانُ» رمز عظمت آخرت است.

□ سؤال: با این که قرآن به کار و تلاش برای آباد کردن زمین و سیر و سفر و بهره‌مندی از طبیعت، همسر، زیبایی‌ها، خوراکی‌ها و کسب درآمد، سفارش نموده است، پس چگونه در این آیه می‌فرماید: دنیا جز لهو و لعب نیست؟  
پاسخ: کامیابی‌هایی که برای رسیدن به اهداف مقدس و با روش و ابزار مقدس و در محدوده قانون و با رعایت سایر شرایط باشد، همه آنها مزرعه آخرت است و آنچه در این آیه تحقیر و مذمت شده و لهو و لعب معرفی شده، مواردی است که هدف مقدسی در کنار آن نباشد و با موازین دینی و قانونی مخالف باشد.  
□ لهو و لعب بودن دنیا، چهار مرتبه در قرآن، در قالب حصر آمده است.

□ شاید از جمع بندی آیات قرآن در مورد دنیا بتوان این گونه استفاده کرد که هرگاه دنیا را به عنوان هدف و مقصد بنگریم، دنیا وسیله اغفال و غرور خواهد بود ولی اگر دنیا را مزرعه آخرت، مقدمه و وسیله رسیدن به کمال بنگریم، دنیا



و نعمت‌های آن ارزشمند و سازنده خواهند بود؛ بنابر این از همین زندگانی دنیا، گروهی آن گونه بهره می‌گیرند که مغفرت و رضوان الهی را دریافت می‌نمایند و گروهی آن گونه که گرفتار عذاب شدید می‌شوند.  
پیام‌ها:

- ۱- آفرینش دنیا، هدفدار و حکیمانه است، لیکن غفلت از آخرت، دنیاپرستی و غرق شدن در آن، سفیهانه است. «لَهُوَ وَلَعِبٌ»
- ۲- همه جا سکوت در برابر دلخوشی‌های مردم جایز نیست، گاهی باید با نهیب و فریاد، به غافلان هشدار داد. «لَهُوَ وَلَعِبٌ»
- ۳- در شیوه‌ی تبلیغ، هرگاه امر زشتی را نفی می‌کنید، جایگزین خوبی به او ارائه دهید. «إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ»
- ۴- حیات واقعی، حیات آخرت است. «الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»
- ۵- مردم، حقیقت آخرت را نمی‌دانند و گرنه به دنیا دل نمی‌بستند. «لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»

### ویژگی‌های دنیا

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ (حدید، ۲۰)

بدانید که زندگانی پست دنیا، چیزی جز بازی و سرگرمی و زینت‌طلبی و فخر فروشی در میان خود و افزون‌طلبی بر همدیگر در اموال و فرزندان نیست، همانند بارانی که گیاه آن، کشاورزان را به شگفتی وا دارد، سپس خشک شود و آن را زرد بینی، سپس کاه شود و در آخرت، عذابی شدید (برای گنهکاران) و مغفرت و رضوانی (برای اطاعت‌کنندگان) از جانب خداوند است و زندگانی دنیا جز کالای فریبنده نیست.



## شناخت اوصاف روز قیامت

### روز پشیمانی

وَأُنْذِرُهُمْ يَوْمَ الْخُسْرِ إِذْ تُضَيَّ الْأُمُورُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ  
و آنان را از روز ندامت و حسرت بترسان، آن هنگام که کار (از کار) بگذرد (و همه چیز پایان یابد) در حالی که (الکنون) آنان در غفلتند و ایمان نمی آورند. (مریم، ۳۹)  
نکته‌ها:

- کلید همه‌ی بدبختی‌ها، غفلت است. غفلت از خداوند، غفلت از معاد، غفلت از آثار و پیامدهای گناه، غفلت از توطئه‌ها، غفلت از محرومان، غفلت از تاریخ و سنت‌های آن و غفلت از جوانی و استعدادها وزمینه‌های رشد.
- یکی از نام‌های قیامت «يَوْمَ الْخُسْرِ» است. حسرت بر فرصت‌های از دست داده و سرمایه‌های تلف شده.
- چه کسانی حسرت می‌خورند؟

۱. خوبان. حسرت اعمال نیک بهتر و بیشتری دارند.
۲. پیروان طاغوت. «يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ»<sup>۲۷</sup> دروغا از آنچه در حق خدا کوتاهی کردم! طبق روایات این حسرت مربوط به کسانی است که رهبران آسمانی و اوصیای آنان را رها کرده و به دنبال رهبران فاسق رفتند.
۳. منکران رسالت. رسول خدا ﷺ به ابوذر فرمود: روز قیامت کسانی که مقام رسالت مرا قبول نکردند، در حال کوری و کری در قیامت حاضر می‌شوند و می‌گویند: وای بر ما به خاطر کوتاهی‌هایی که در حق خداوند مرتکب شدیم!
۴. گویندگان بی‌عمل. امام باقر علیه السلام فرمود: بیشترین حسرت در قیامت از کسانی است که در کلام و بیان خود از عدالت دم زدند، ولی به آن عمل نکردند.
۵. افراد تندرو و افراطی نیز به هنگام قیامت حسرت‌ها دارند.
۶. جاهلان. کسانی هستند که توانایی تحصیل علم را داشته‌اند، ولی به دنبال



فراگیری آن نرفته‌اند.

۷. عالم بی‌عمل. کسانی که مردم به خاطر حرف‌شنوی آنان اهل بهشت شدند، ولی خودشان به خاطر نداشتن عمل اهل دوزخند.

۸. اهل همنشینی و مجالست‌های بیهوده. در حدیث می‌خوانیم: هرگاه گروهی در جلسه‌ای گرد هم بنشینند و به جای یاد خدا به حرف‌های بیهوده سرگرم شوند، روز قیامت این مجلس برای آنان وسیله حسرت خواهد بود.

۹. گناهکاران. در دعا می‌خوانیم: خدایا! از گناهانی که سبب ندامت و پشیمانی من در روز قیامت می‌شود به تو پناه می‌برم.

۱۰. ریاست‌طلبان. آنان که برای ریاست دنیا دست و پا و حرص می‌زنند.

۱۱. منحرفان. کسانی که در دنیا توسط دوستان نااهل دچار انحراف شده‌اند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا» وای بر من ای کاش فلانی را برای خودم به عنوان دوست قرار نمی‌دادم، و از شدت ناراحتی دو دست خود را در دهان گذارده و به دندان می‌گیرد و می‌گوید: دوست بد مرا از راه خدا دور و منحرف کرد و ای کاش (به جای دوستی با فلانی)، با رسول خدا راهی پیدا می‌کردم.

۱۲. ثروت‌اندوزان. کسانی که اموالی را چه بسا از راه نامشروع بدست آوردند، ولی مهلت بهره‌گیری از آن را نداشته و از دنیا رفته‌اند و آن اموال به دست کسانی رسیده که آنان در راه خدا خرج کرده‌اند و بدین وسیله صاحب مال به جهنم رفته، ولی وارث نیکوکار به بهشت می‌رود. امام صادق علیه السلام درباره آیه ۱۶۶ سوره بقره «وَيَرَاهُمْ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ» فرمود: پس از مرگ او اگر وارثان در راه خیر و مسیر الهی صرف کنند، پاداش برای وارث است، و اگر در راه گناه صرف کنند، او با بجاگذاشتن این اموال در دست وارث، گناهکار را یاری کرده پس شریک گناهکار است - و سبب ندامت و حسرتش می‌گردد.

۱۳. آدم‌کشی، رهاکردن بستگان، نداشتن وصیت، بی‌اعتنایی به حقوق مردم و نپرداختن زکات، هر کدام وسیله حسرت در قیامت خواهد بود.



## خلاصه

سبک زندگی قرآنی به معنای پیروی از آموزه‌های قرآن کریم در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است. این سبک زندگی، مبتنی بر توحید و خدا محوری بوده و هدف آن رسیدن به حیات طیبه و سعادت دنیوی و اخروی است. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، راهکارهای عملی برای رسیدن به این سبک زندگی ارائه می‌دهد و انسان را به سوی کمال و تعالی سوق می‌دهد.



## منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن حنبل، احمد، مسند، به تحقیق احمد محمد شاکر، مصر، مؤسسه الکتب الشقاقیه، ۱۴۰۴ق.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، تونس، دار بوسلامه للنشر و التوزیع، ۱۹۹۹م.
۵. پورامینی، محمدباقر، سبک زندگی؛ منشور زندگی در منظر امام رضا علیه السلام، مشهد، انتشارات: قدس رضوی، ۱۳۹۲.
۶. جوادى آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۵.
۷. حسینی مرعشی، نورالله، احقاق الحق، قم، نشر مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۶ق.
۸. راغب، حسین، مفردات، مکتبه المرتضویه، تهران، ۱۳۷۵.
۹. سجستانی، ابوداود بن اشعث، سنن ابی داود، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، انتشارات: دارالفکر للطباعة و النشر و التوضیح، ۱۴۱۰ق.
۱۰. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، جامع الاحادیث: للجامع الصغیر و زوائده و الجامع الکبیر، دمشق، چاپ عباس احمد صقر و احمد عبدالجواد، ۱۴۱۴ق.
۱۱. صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۷۴ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲.
۱۴. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۱۵. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان، تهران، انتشارات: اسلام، ۱۳۷۸.
۱۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۳.
۱۷. فاضل قانع، حمید، سبک زندگی بر اساس آموزه های اسلامی (با رویکرد رسانه ای)، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۹۲.
۱۸. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱.
۱۹. قرشی، سیدعلی اکبر، احسن الحدیث، تهران، انتشارات: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۲۰. قرطبی، ابن رشد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۲۱. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، انتشارات: الثالثه، ۱۳۸۸ق.
۲۲. متقی هندی، علی ابن حسام الدین، کنز العمال، دائرة المعارف العثمانیه، بعاصمه حیدرآباد، ۱۳۶۴ق.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، مؤسسه ی دارالوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۴. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۲۵. مصباح، محمدتقی، قرآن شناسی، تحقیق محمد رجبی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۲۶. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.



۲۸. موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، قم، انتشارات: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.

۲۹. مهدوی کنی، محمدسعید، ۱۳۸۷.

۳۰. سایت دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

۳۱. پایگاه اطلاع رسانی حوزه

۳۲. حجت الاسلام محسن قرائتی؛ سبک زندگی قرآنی

گروه آموزش و توسعه کارکنان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان